



حیات شیخ مفید

۶

## آثار شیخ مفید

سید محمد جواد شبیری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شیخ مفید با بر جا گذاشتن آثار فراوان و ارزشمند در رشته‌های گوناگون معارف اسلامی، صفحات گرانبهایی از تاریخ دانش را به نام خویش آراست. از آثار بی شمار وی تنها عده معدودی از آنها در گذر زمان سالم مانده و به دست ما رسیده است. بحث و بررسی و تحلیل کامل آثار مفید نیاز به انتشار تمامی آثار باقیمانده وی داشته و در گرو فرصتی دیگر است. ما در این بخش تنها به جنبه‌هایی از آثار مفید نگاهی گذرا افکنده، از فهرست آثار وی سخن گفته، سپس در باره پاره‌ای از آثار مهم به تفصیل به بحث می‌نشینیم:

## \* أ - فهرست آثار:

نام تألیفات شیخ مفید در مصادر بسیاری از منابع متقدم و متأخر آمده است. قدیمترین و معتبرترین این مصادر فهرست شیخ طوسی و رجال نجاشی است که به دست دو تن از رجالیان نامور از شاگردان میرز مفید فراهم آمده و بالطبع از اعتبار و اهمیت بسیاری برخوردار است.<sup>۱</sup> شیخ طوسی در فهرست می‌نویسد که مفید نزدیک به دویست تصنیف بزرگ و کوچک دارد و فهرست کتبش معروف است. وی خود نام جمله‌ای از این کتابها را ذکر کرده، تصریح می‌کند که تمامی آنها را در نزدش درس آموخته است، ولی فهرست نسبتاً کاملی از آثار مفید را در رجال نجاشی می‌بینیم.

### رجال نجاشی و فهرست آثار مفید

ابوالعباس نجاشی ۱۷۴ کتاب از آثار شیخ مفید را نام برده و بدین ترتیب مهم‌ترین منبع برای شناخت این آثار به شمار می‌رود. این فهرست احتمالاً مأخوذ از همان فهرست کتب مفید است که شیخ طوسی آن را به معروفیت وصف کرده است. این فهرست از اشتباهات ناچیزی مانند تکرار مناسک الحجّ خالی نیست کتاب «النقض علی الجاحظ فضیلة المعتزلة» که در اواخر لیست نجاشی ذکر شده نیز می‌بایست همان کتاب «نقض فضیلة المعتزلة» ذکر شده در اوائل ترجمه مفید باشد. در نام «رسالة الجنیدی الی اهل مصر» نیز ظاهراً کلمه «نقض» افتاده<sup>۲</sup> و احتمالاً این رساله با «النقض علی ابن الجنید فی اجتهاد الرأی» متحد است. البته در نگاه نخستین ممکن است کتاب «جمل» را همان «النصرة لسید العترة» دانست که شیخ طوسی از آن با نام «النصرة لسید العترة فی احکام البغاة علیه بالبصرة» یاد کرده

.....

۱ - فهرست شیخ طوسی، مکتبه مرتضویه، نجف، ۱۳۵۶، رقم ۶۹۶؛ رجال نجاشی، انتشارات اسلامی، قم ۱۴۰۷، رقم ۱۰۶۷.

۲ - اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، مارتین مکدر موت، مؤسسه مطالعات اسلامی وابسته به دانشگاه مک‌گیل، با همکاری دانشگاه تهران، ۱۳۶۳، ص ۴۷.

ولی با توجه به اینکه شیخ طوسی به جز این کتاب از کتاب دیگری با نام «احکام اهل الجمل» نام می‌برد کتاب «الجمل» ظاهراً غیر از کتاب «النصرة لسيد العترة» باشد و با کتاب اخیر متحد است، شیخ طوسی تصریح می‌کند که این کتابها را در نزد شیخ مفید درس خوانده و این امر احتمال اشتباهش را بسیار ضعیف می‌گرداند.

#### مقایسه آثار مفید در رجال نجاشی و فهرست شیخ

\* ۱ - در فهرست کتب مفید در رجال نجاشی با همه گستردگی، نام برخی از کتابهای مفید که در فهرست شیخ طوسی ذکر شده، دیده نمی‌شود. این کتابها عبارتند از: رسالة في الفقه الی ولده (که ناتمام مانده)، کتاب المنیر فی الإمامة، المسائل الجرجانية، المسائل المازندرانية.

\* ۲ - در نامهای ذکر شده در فهرست طوسی کتاب «احکام متعه» وجود دارد که ممکن است یکی از چند کتابی باشد که نجاشی در موضوع متعه به مفید نسبت می‌دهد مانند: کتاب الموجز فی المتعه، کتاب مختصر المتعه.

\* ۳ - کتاب «الأركان فی الفقه» نیز احتمالاً غیر از کتابی است که نجاشی با عنوان «الأركان فی دعائم الدین» به مفید نسبت می‌دهد؛ زیرا از پاره‌ای گزارشها بر می‌آید که کتاب «الأركان فی دعائم الدین» کتابی است کلامی نه فقهی. مفید در کتاب تصحیح الاعتقاد در بحث از حرمت جدال و کلام در اصول عقاید اشاره می‌کند که روایات بسیاری در امر به بحث و تحقیق در توحید خداوند و نفی تشبیه وارد شده که جمله‌ای از آنها را در کتاب الأركان فی دعائم الدین آورده است.<sup>۲</sup>

\* ۴ - در میان آثاری که طوسی به مفید نسبت می‌دهد نام «المسائل المنثورة» دیده می‌شود که در توضیح آن گفته شده که حدود یکصد مسئله است. احتمال می‌رود که این نام کتاب خاصی نباشد بلکه نام مجموعه‌ای از کتابهای مفید است که با عنوان مسئله یا مسائل نگاشته شده است ولی تعداد آثاری که با این عنوان در رجال نجاشی آمده به چهل کتاب نمی‌رسد و می‌بایست نام بسیاری از آثار شیخ

.....

۲ - تصحیح الاعتقاد، شیخ مفید، به اهتمام واعظ چرندابی، تبریز، ۱۳۷۱، (همراه اوائل المقالات) ص ۲۸.

مفید در رجال نجاشی نیامده باشد مگر اینکه کتابهایی را که در آن چند مسئله ذکر شده چند بار به حساب آوریم که شاید در این صورت تعداد مسائل از صد مسئله هم تجاوز کند.

### کتابهای مفید در معالم العلماء

۱ - پس از این دو کتاب معالم العلماء ابن شهر آشوب قدیمی ترین مصدر موجود در شناخت آثار مفید می باشد.<sup>۴</sup> وی پس از ذکر کتابهای مفید از فهرست شیخ با کمی تفاوت، نامهای تازه ای را بدانها می افزاید که برخی از آنها نام دیگری است از تألیفات ذکر شده در فهرست شیخ یا رجال نجاشی، مثلاً: «الشیخ الضالّ فیه جوابات عشر مسائل» و «کتاب فضائح ابی حنیفه» ابن اوصاف، اوصاف یک کتاب از کتابهای مفید با نام «المسائل الصاغانیه» است که به چاپ هم رسیده است.<sup>۵</sup> شیخ مفید در این کتاب به ده اعتراض شیخی از حنفیان پاسخ داده سپس خود بر ابوحنیفه می تازد.

۲ - در نام کتاب «الردّ علی ثعلب فی آیات القرآن» نیز ممکن است کلمه «ثعلب» تصحیف «قطرب» باشد و این کتاب همان کتاب «البیان عن غلط قطرب فی القرآن» باشد که نجاشی ذکر کرده است.

۳ - دو کتاب «ردّ العدد» و «الردّ علی ابن بابویه» هم احتمالاً یکی است که گاه با نام «الردّ علی الصدوق فی قوله ان شهر رمضان لا ینقص» خوانده می شود.<sup>۶</sup> در توضیح این احتمال باید دانست که یکی از مسائل بسیار بحث انگیز و اختلافی بویژه در قرن چهارم و پنجم هجری این مسئله بوده که آیا مناط ثبوت ماه رمضان دیدن هلال است و ماه رمضان مانند سایر ماهها گاه ناقص و گاه کامل می باشد و

.....

۴ - معالم العلماء، ابن شهر آشوب، الف - مطبعه فردین، تهران، ۱۳۵۳ ق، ص ۱۰۰، ب - مطبعه حیدریه نجف، ۱۳۸۰، ص ۱۱۲.

۵ - المسائل الصاغانیه (چاپ شده در ضمن مجموعه رسائلی از مفید، دار الکتاب، قم، از چاپ مطبعه حیدریه، نجف).

۶ - اندیشه های کلامی شیخ مفید، ص ۴۴؛ ذریعه، آقا بزرگ تهرانی، دار اللاضواء، بیروت، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۲۰۴.

یا اینکه ماه رمضان همواره کامل و سی روز می‌باشد در مقابل ماه شعبان که همیشه ناقص و بیست و نه روز است. گروه نخست «اصحاب الرؤیة» خوانده می‌شده و گروه دوم «اصحاب العدد» شیخ مفید در اوائل امر مانند شیخ صدوق در فقیه<sup>۷</sup> از اصحاب العدد بوده ولی سرانجام نظر اصحاب الرؤیة را درست دانسته است. وی به سود هر دو دسته کتاب نوشته که مرحوم سید بن طاوس از آنها یاد کرده است.<sup>۸</sup> به هر حال معالم العلماء ابن شهر آشوب قطعاً از نظر اعتبار به پایه فهرست نجاشی و شیخ طوسی نمی‌رسد بویژه در مورد شیخ مفید که استاد نجاشی و طوسی است. پاره‌ای از اشتباهات روشن ابن شهر آشوب در این کتاب و در همین ترجمه<sup>۹</sup> ما را در پذیرفتن کتابهای جدیدی که وی معرفی نموده و نسخه‌ای از آنها در دست نیست به تردید می‌اندازد، بویژه در باره کتابهایی چون «اختیار الشعراء» که در موضوعات کاملاً بیگانه با سایر آثار مفید می‌باشد می‌بایست طریق احتیاط را پیمود.

#### تألیفات مفید در مصادر متأخر

برخی از مصادر متأخر به تکمیل فهرس به دست آمده از سه اثر گذشته پرداخته‌اند. مرحوم علامه شیخ فضل الله شیخ الاسلام زنجانی در مقدمه نفیس خود بر اوائل المقالات پس از ارائه موضوعات گوناگونی که مفید بدانها پرداخته نام چهارده کتاب را ذکر کرده که در مصادر متقدم نیامده است<sup>۱۰</sup> که البته در میان آنها نام «اختصار کتاب الاختصاص» نیز دیده می‌شود که از مفید نیست<sup>۱۱</sup> و نیز کتاب

.....  
رتال جامع علوم انسانی

۷ - کتاب من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، دار الکتب الاسلامیه، نجف، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۱۰، وی در این صفحه اخبار مخالف عدد را بر تقیه حمل می‌کند، ولی خود بیشتر روایات رؤیت را ذکر نموده است (ص ۷۶) که با هم سازگار نیست.

۸ - اقبال، سید بن طاوس، اول اعمال شهر رمضان، ص ۵.

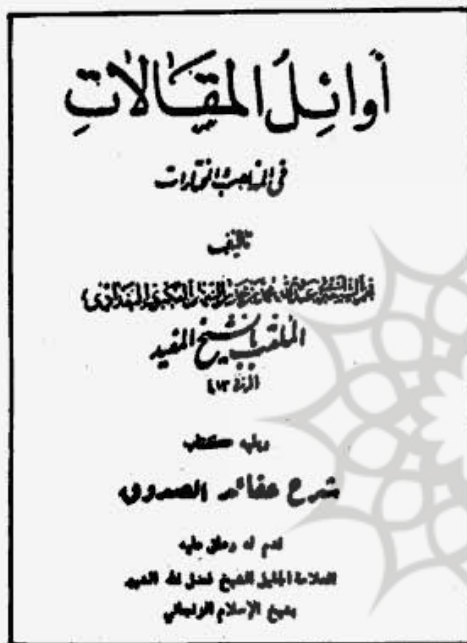
۹ - از جمله در مورد نام استاد مفید که ابو جعفر بن قولویه ضبط شده و صحیح آن ابوالقاسم جعفر بن قولویه و نیز توصیف مفید به قمی بنا بر چاپ تهران.

۱۰ - مقدمه اوائل المقالات، به اهتمام واعظ چرندابی، تبریز، ۱۳۷۱، ص ۵۵ - «مع».

۱۱ - بنگرید به مقاله شیخ مفید و کتاب اختصاص، نور علم، شماره ۴۰ و ۴۲.

«الافصاح» را از آن رو که در نسخه چاپ سنگی نجاشی نیامده بود در این جا ذکر نموده‌ند.<sup>۱۲</sup>

در این میان نام کتابی به صورت «مسألة مفردة فى معنى الإسلام الخ» ذکر نموده و گفته‌اند که در اول کتاب اوائل المقالات بدان اشاره شده است، ولی با مراجعه به اوائل المقالات بدرستی بر نمی‌آید که موضوع این رساله چیست، به احتمال قویتر موضوع این رساله تعریف شیعه و بیان معنای تشیع است،<sup>۱۳</sup> ولی به هر حال این رساله ظاهراً در مصادر پیشین مذکور نیست.



.....

۱۲ - ولی در چاپ مصحح رجال نجاشی نام این کتاب وجود دارد.

۱۳ - شیخ مفید در تعریف تشیع و اعتزال و بیان فرق آن دو اشاره‌ای به تعریف اسلام نیز کرده است و سپس می‌گوید: «وقد افردنا له مسئله استقصینا فیها الکلام» ظاهر سیاق عبارت می‌رساند که مرجع ضمیر «له» اصل مطلب یعنی بحث تعریف تشیع باشد نه بحث ضمنی تعریف اسلام. اوائل المقالات، ص ۳ - ۴.

۱۴ - فهرست برخی از این آثار را که در آن کتب مفید یا برخی از آنها فهرست شده در نور علم، شماره ۳۴، ص ۱۱۳، حاشیه بنگرید.

## آثار مفید در مقدمه اندیشه‌های کلامی شیخ مفید

۱ - هسته اولیه این فهرست از رجال نجاشی گرفته شده است و سپس عناوین دیگری از فهرست شیخ طوسی و معالم العلماء و پاره‌ای مخطوطات که مؤلف در کتابخانه‌های نجف و تهران و قم دیده بر آن اضافه شده است با توجه به مغلوط بودن چایی از رجال نجاشی که در آن زمان در اختیار بوده و مورد استفاده مؤلف قرار گرفته پاره‌ای اشکالات در این فهرست نمودار شده است، مثلاً عنوان افصح از چاپ فوق افتاده در نتیجه این عنوان به اتکاء مصادر دیگر در عداد مصادری که نجاشی ذکر نکرده آمده است، مؤلف خود به درستی در مورد عنوان «۱۷ - بغض المروانیة» احتمال داده که تحریف «نقض المروانیة» می‌باشد. کلمات البرقی (رقم ۴۸) الفریقین (رقم ۵۰) النصر بن بشیر (رقم ۵۵) و الشعبی (رقم ۶۶) النسفی (رقم ۶۹) الکشف (رقم ۹۷) در چاپ مصحح رجال نجاشی به ترتیب به صورت: الترقضی، الفارقیین، النضر بن بشیر، الشعیبی، العتیقی، النکت درج شده است.

۲ - پاره‌ای از کتابهای ذکر شده در این فهرست نیز قطعاً از مفید نیست که عبارتند از کتاب اختصاص و رساله عیسی بن راب بروایة المفید (که جزئی از اختصاص است).<sup>۱۵</sup>

۳ - المبین فی الامامة نیز با المنیر فی الامامة یکی است که اولی در معالم العلماء و دومی در فهرست طوسی آمده است، با بررسی این دو کتاب و مشاهده ترتیب ذکر کتابهای مفید در آنها این موضوع بروشنی معلوم می‌گردد.

۴ - برخی از توضیحاتی که در اطراف کتابها داده شده، نادرست است مثلاً در رقم ۱۱۷ - «کتاب مسألة فی اقصى الصحابة» شاید به جای «اقصى» بتوان «اقضى» خواند؛ زیرا ظاهراً در باره حجیت راوی برای روایت خبر بحث می‌کند. ولی ظاهراً این کتاب در باره آگاه‌ترین صحابه به قوانین قضاء و آیین داوری

۱۵ - اختصاص، تحقیق علی اکبر غفاری، مکتبة الصدوق، تهران، ۱۳۷۹، ص ۱۴۴ - ۱۶۰.

می‌باشد و در اثبات اینکه امیرالمؤمنین علی(ع) به این وصف متصف است نه دیگران.<sup>۱۶</sup>

۵- در رقم ۶۳ الرد علی الجاحظ العثمانیة و ۱۶۴ - النقض علی الجاحظ فضیلة المعتزلة، کلمه العثمانیة و فضیلة المعتزلة مفعول دو مصدر «الرد» و «النقض» بوده بنابراین منصوب است، در نام این کتابها نیازی به افزودن کلمه «فی» نیست و ذکر کلمه «کذا» که نشانه اشکال در نام کتاب می‌باشد وجهی ندارد.

۶- در مورد کتاب اصول الفقه نیز باید دانست که کراچکی تنها گزیده‌ای از این کتاب را در کنز الفوائد آورده نه تمام آن را.

در خاتمه اشاره به این مطلب مناسب است که در فهرست مذکور در مقدمه تهذیب نام ۱۹۴ تألیف دیده می‌شود. برجسته‌ترین عنوان فهرست مذکور که در اندیشه‌های کلامی شیخ مفید دیده نمی‌شود کتاب رجال است که نمی‌بایست به عنوان تألیف مستقلی تلقی گردد.

در مقدمه مرحوم شیخ الاسلام زنجانی بر اوائل المقالات به نامهای جدیدی از آثار مفید بر می‌خوریم که باید به فهرست مذکور در مقدمه اندیشه‌های کلامی شیخ مفید افزوده گردد که عبارتند از: المسائل التي سألها عنه محمد بن محمد الرملي الحائري، مسألة مفردة في معنى الإسلام (يا التشيع چنانچه گذشت)، کتاب فی مسألة الصلوة التي نسبت الي ابي بكر في مرض النبي(ص)، مولد النبي و الاوصياء.<sup>۱۷</sup>

شیخ جعفر بن محمد دوریستی نیز از مفید مطلبی نقل می‌کند که ممکن است کسی از آن چنین بفهمد که وی در علم تعبیر خواب کتابهایی تألیف کرده است، عبارت وی چنین است: إني قد بقیت فی هذا العلم مدة و لی فيه كتب جمّة.<sup>۱۸</sup>

۱۶ - در برخی از روایات، گفتار پیامبر در شأن امیرمؤمنان آمده که «اقضاکم علی» این روایت موضوع کلام در این کتاب می‌باشد، در امالی شیخ طوسی، ج ۱، ص ۲۵۶ از عمر نقل شده که: علی اقضانا.

۱۷ - مقدمه اوائل المقالات، ص «مد» - «مح».

۱۸ - الثاقب فی المناقب، ابن حمزه طوسی، دار الزهراء، بیروت، ۱۴۱۱، ص ۲۳۶ - ۲۳۹.



ولی با توجه به ماجرای که مفید نقل می کند تنها همین مقدار می توان فهمید که مفید کتابهایی را در علم تعبیر خواب در اختیار داشته است.<sup>۱۹</sup> حال نگاهی گذرا به شیوه تألیفات مفید و موضوعات آن می اندازیم:

### شیوه تألیفات مفید و موضوعات آنها

آثار شیخ مفید را می توان در سه دسته قرار داد:

نخست: تألیفهای مستقلی که در موضوعات مختلف نگاشته شده و بسیاری از آنها با عنوان مسأله یا مسائل می باشد حدود ۱۲۰ عنوان از آثار مفید اینگونه اند. دسته دوم: آثاری که در جواب سؤالات گوناگونی که از گوشه و کنار مملکت پهناور اسلامی از ناحیه افراد و یا اهالی شهرهایی چون گرگان، رقه، حران، خوارزم، مازندران، شیراز، صاغان، طبرستان، موصل، نیشابور، و از شرق تا غرب کشور اسلامی به حضورش می رسید، نگاشته شده که حدود ۴۵ عنوان را شامل می شود.

دسته سوم: تألیفاتی که در نقض و رد آثار دیگران نگاشته شده که حدود ۳۵ عنوان را در بر می گیرد.

با يك بررسی اجمالی در آثار موجود شیخ مفید و عناوین آثار مفقودش بدین نتیجه می رسیم که محور اساسی فعالیت های مفید را دو زمینه کلام و فقه تشکیل می دهد و کتابهایی که به نحوی از انحاء به یکی از این دو زمینه باز نگردد، اندک است. ما در میان آثار بر جای مانده مفید به کتاب حدیثی بر نمی خوریم جز کتاب مزار و کتاب امالی، که این کتاب دوم هم، املاءهای مفید و تألیف دیگری است. کتاب نخست نیز از گرایش فقهی و کتاب امالی از گرایش کلامی بر کنار نیست. ارشاد مفید که از مهمترین منابع در شناخت تاریخ زندگانی ائمه می باشد، در واقع کتابی است کلامی، نگاشته شده با انگیزه های کلامی و برای اثبات امامت امامان، بسیاری از کتابهای فقهی مفید نیز رنگ کلامی دارد؛ چون رساله های فقهی

.....

۱۹ - رك: كنز الفوائد، كراچكى، دار الإضواء، بيروت، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۵۰.

وی در باره متعه و یا وجوب مسح بر پا (نه بر جوراب و کفش) که در دفاع از این آراء فقهی خاصّ امامیه در مقابل دیگر مذاهب نگاشته شده است. با این دید اکثر کتابهای مفید کتاب کلامی بوده و پس از آن کتابهای فقهی بالاترین نقش را دارا می‌باشند و آثاری چون مسأله الشیعه در تاریخ ولادت امامان یا مزار و موضوعات دیگر اندک است.

#### \* ب - امالی مفید

ابو جعفر عن ابیه (ع): **إِنَّ السَّلَكَ الْمَوْكَلَّ بِالْعَبْدِ يَكْتُبُ فِي صَحِيفَتِهِ أَعْمَالَهُ فَأَمَلُوا فِي أَوْلِيهَا وَآخِرَهَا خَيْرًا يُفْقَرُ لَكُمْ مَا بَيْنَ ذَلِكَ.**

فرشته گماشته بر بنده، در صحیفه‌اش اعمال وی را می‌نویسد، پس در آغاز و پایان این صحیفه خیر «املاء» کنید که ما بین آنها آمرزیده می‌گردد.

مهمترین اثر حدیثی بر جای مانده از شیخ مفید مجموعه روایاتی است که به نام امالی شهرت دارد. شیوه روایت کتاب به گونه املاء بوده است که در آن محدث روایاتی چند را آرام آرام می‌خوانده و راویان، آن را یاد داشت می‌کردند. املاء یکی از طرق قدیمی انتقال حدیث و علم به شمار می‌رود و در میان دانشمندان تمامی فرقه‌های اسلامی به کار گرفته شده است. کسی که سمت املاء کننده را بر عهده می‌گرفته معمولاً از شیوخ و بزرگان بوده است.

در میان دانشمندان امامی، از جمله‌ای از آنها، امالی‌هایی در دست مانده چون امالی صدوق و امالی شیخ طوسی، این دو کتاب از جهاتی مانند موضوع، بی شباهت به امالی مفید نبوده و قابل مقایسه با آن می‌باشد.

امالی مفید از استوارترین کتب حدیثی شیعه بوده که با روشی هوشمندانه تنظیم شده است، ذوق و لطافت در این کتاب موج می‌زند، روایت آغازین کتاب که در صدر تیترا آورده شد دلیلی روشن بر سلیقه مفید است، استفاده از الفاظ «کتابت»، «صحیفه»، «املاء» و «اول» در این مقام بسیار جالب است.

ما در این قسمت این مقال بر آنیم که به تفصیل به شناسایی این کتاب بپردازیم، بحثهای آینده در ضمن عناوین زیر دنبال می‌شود:

- ۱- نام کتاب؛
- ۲- مکان و زمان مجالس؛
- ۳- موضوع مجالس؛
- ۴- مشایخ معروف مفید در روایات این کتاب؛
- ۵- مجلس بیست و سوم؛
- ۶- راویان؛
- ۷- امالی مفید و امالی صدوق؛
- ۸- امالی مفید و امالی شیخ.

#### نام کتاب

این کتاب به نام امالی شهرت دارد، نجاشی در ضمن شمارش کتابهای مفید از الامالی المتفرقات نام می‌برد<sup>۲۰</sup> که ممکن است تنها ناظر به این کتاب باشد و نیز ممکن است ناظر به کتابی خاص نبوده بلکه به املاءهای پراکنده وی نظر داشته که در موضوعات مختلف صورت پذیرفته است، مفید خود در اواخر تصحیح الاعتقاد به این گونه املاءها (با عبارت: فی مواضع من کتبتنا و امالینا)<sup>۲۱</sup> اشاره دارد، به هر حال اگر کلام نجاشی ناظر به کتاب مورد بحث باشد در مورد وصف المتفرقات باید گفت که این وصف یا به جهت پراکندگی زمان املاء و یا مختلف بودن موضوع روایات و یا پخش شدن روایت مشایخ در کتاب می‌باشد؛ زیرا بر خلاف امالی شیخ طوسی، روایت مشایخ هر يك در يك جا گرد نیامده است.

#### مکان و زمان مجلس

۱- احادیث این کتاب در فاصله اول رمضان ۴۰۴ تا بیست و هفتم رمضان سال ۴۱۱ در طی ۴۲ مجلس املاء گردیده است، گویا در سال نخست مجالس همگی در منزل ضمره ابوالحسن علی بن محمد بن عبدالرحمان فارسی - که از حالات

۲۰- رجال نجاشی، رقم ۱۰۶۷، اواخر ص ۴۰۰.

۲۱- تصحیح الاعتقاد، ص ۷۰.

وی چیزی نمی‌دانیم - در زیارین در درب ریاح در بغداد انجام گرفته و در سالهای دیگر این جلسات به مسجد شیخ مفید در درب ریاح منتقل گردیده و در نتیجه عمومی‌تر شده است.<sup>۲۲</sup>

۲ - در سالهای ۴۰۵ و ۴۰۶ به علت نا معلومی، هیچ مجلسی بر گزار نشده است.

۳ - مجالس بیشتر در ماه رمضان و گاه در ماه شعبان و رجب نیز بر پا می‌گشته است، گویا این مجالس شبیه منبرهای فصلی کنونی در ماه رمضان یا دهه محرم و صفر بوده که با توجه به رغبت مردم به سوی خدا در این ماهها و توجه آنها به مساجد، دائر می‌گردیده است.

۴ - مجالس، تقریباً به طور مرتب در روز شنبه برگزار می‌شد، ولی گاه در روز چهارشنبه و دو شنبه نیز این مجالس صورت می‌گرفته است.



۵ - در سال ۴۰۷ بیش از سایر سالها این جلسات دائر گردیده، ۱۲ جلسه از جلسات امالی به مجالس این سال اختصاص دارد، ولی در سال ۴۰۸ دو مجلس برگزار شده و از این رو محتمل است که تاریخ تبعید وی این سال بوده نه سال ۴۰۹ چنانچه ابن اثیر نوشته است.<sup>۲۳</sup>

۶ - آیا پس از سال ۴۱۱ دیگر مجلسی برگزار نشده؟ بدرستی معلوم نیست و احتمال می‌رود که این مجالس در سالهای بعد تا وفات مفید در سال ۴۱۳ هم ادامه

۲۲ امالی مفید، آغاز مجالس اول، دهم، یازدهم، بیست و چهارم.

۲۳ - کامل، ابن اثیر، ج ۹، ص ۳۰۷.

داشته، ولی راویان مجموعه کنونی در آنها حاضر نبوده‌اند در این باره پس از این صحبت خواهیم کرد.

۷- تاریخ مجلس چهل و یکم مقدم بر تاریخ مجلس چهلّم می‌باشد که ظاهراً در اثر پس و پیش شدن اوراق، این اشتباه رخ داده است.

### موضوع مجالس

۱- روایات امالی در نگاه نخستین در باره موضوع یا موضوعات خاصی نیست، ولی با کمی دقت می‌توان بیشتر آنها را در دو محور امامت و اخلاق دانست، موقعیت زمانی و مکانی، این گونه بحثها را ایجاب می‌کرد. محیط بغداد و بر خوردهای عقیدتی و لزوم حفظ کیان تشیع و هدایت مردمان به راه راست، طرح بحثهایی در باره امامت را الزام می‌نمود. زمان برگزاری مجالس نیز بیشتر در ماه مبارک رمضان و گاه ماه رجب و شعبان بوده است، ماههایی که انسان در آن به سوی خداوند راه می‌گشاید و تهذیب نفوس و تطهیر قلوب در سرلوحه وظایف سخنرانان دینی قرار می‌گیرد و بحثهای اخلاقی جایگاه خویش را می‌یابد. روایات اخلاقی امالی طراوت و عطر ویژه‌ای دارد که قلبها را به هیجان می‌آورد و دیدگان را به گریستن وا می‌دارد، تأثیر چشمگیر این روایات از گزینش استادانه مفید ریشه می‌گیرد. در این میان روایات مفصل اخلاقی چون صحیفه زهد امام سجاد(ع) (ص ۲۰۰) و کلام امیرمؤمنان(ع) با کمال «ان هذه القلوب اوعیة فخیرها اوعاها» (ص ۲۷۴) زیبایی خاصی دارد مفید گاه با قرائت اشعار شیوا و دلنشین بویژه در پایان مجالس، جلسات را به ذوق و ادب می‌آراید.<sup>۲۴</sup>

بحثهای گوناگون مربوط به امامت چون لزوم ولایت، لزوم اطاعت امام، فوائد محبت اهل بیت، فضایل شیعه، علم ائمه و مظلومیت ائمه، قسمتی از موضوع روایات است. اثبات امامت امیرمؤمنان علی(ع) و سایر امامان نیز از راههای مختلف دنبال می‌شود، روایات و نصوصی که بر امامت امیرمؤمنان علی(ع) دلالت

.....

۲۴- امالی، ص ۷، ۴۱، ۱۰۸، ۱۱۶، ۱۲۳، ۱۳۱، ۱۴۲، ۱۵۵، ۲۴۵، ۲۵۱، ۲۵۸، ۳۰۰، ۳۰۹، ۳۱۶.

دارد چون حدیث غدیر (ص ۵۶)، و بر خورد غیر علمی و منفی ابو حنیفه با آن (ص ۲۶)، حدیث منزلت (ص ۵۶)، سلام صحابه پیامبر در حیات حضرت، بر علی (ع) به عنوان امیرمؤمنان (ص ۱۸)، از این راههاست، بیان فضایل امیرمؤمنان (ع) در لسان پیامبر در روایاتی چون حدیث تشبیه (ص ۱۴)، و مسدود ساختن تمامی درهایی که به مسجد پیامبر باز می‌گردد بجز در خانه علی (ع) (ص ۵۶)، حدیث ردّ شمس به خاطر علی (ع) (ص ۹۴)، در همین راستا نقل می‌گردد.

پاسخ به برخی از شبهاتی که در مورد زندگانی ائمه وارد آمده بویژه در باره جنگ جمل - موضوعی که مفید را به تألیف کتاب مبسوطی وا داشت - و طرح پاره‌ای از بحثهای رایج چون عدم عصمت صحابه (ص ۳۸)، سخن ابن عباس در انکار عول و تعصیب (ص ۴۸ و ۲۸۴)، ذمّ اصحاب قیاس (ص ۵۱)، نفی علو و تقصیر در حق امام علی (ع) (ص ۹)، کیفیت علم غیب ائمه (ص ۲۳)، عدم ایمان مرتکبان کبائر (ص ۲۲ و نیز ص ۲۷۴) که در ارتباط با نظرات مرجئه است، نهی از مجالست کسی که خداوند را وصف می‌کند (ص ۱۱۲) در ارتباط با اصحاب تجسیم، مناظره ذوالرمة و ذؤبة بن العجاج در افعال انسانها (ص ۱۰۷) در ارتباط با بحث قضا و قدر، ایمان ابوطالب و اشعارش در نصرت پیامبر (ص ۳۰۴) در پاسخ به نیاز کلامی جامعه بوده است.

۲ - تأثیر شرایط سیاسی بغداد بر شیوه طرح روایات امالی و گزینش آنها مشهود است، مفید در سال نخست یعنی در سال ۴۰۴ با مطرح کردن ناشایستگی خلفاء پس از پیامبر، بر امامت بلافصل امیرمؤمنان (ع) احتجاج می‌ورزد. داستان فدک و ممانعت ابوبکر از دادن آن به حضرت فاطمه (س) (ص ۴۰)، عزل ابوبکر از ابلاغ سوره براءة و سپردن آن به امام علی (ع) (ص ۵۶) و ماجرای روز پنجشنبه آخر عمر پیامبر که حضرت در آن برای هدایت جاوید امت، قلم و دوات طلبید، ولی عمر با طرح «حسبنا کتاب الله» مانع گردید (ص ۳۶)، دستور عمر به آتش زدن خانه حضرت فاطمه (س) (ص ۴۹)، داستان قرض خواستن عثمان از بیت المال و خود داری وی از دادن رسید به خزانه‌دار با این بهانه که تو خزانه‌دار مایی و

اعتراض عمار یاسر و برخورد بسیار تند و خشن عثمان و ناسزای رکیک وی نسبت به عمار، برخوردی که او را نیم روز بیهوش کرد و تبعیض سه خلیفه به سود اقوام و هم قبیله‌های خود از تیم وعدی و بنی امیه و سپردن بیت المال به اختیار آنها (ص ۷۰) به همان انگیزه کلامی مطرح شده است.

ولی این گونه روایات در سال ۴۰۷ کمتر شده و تنها به اعتراض پدر ابوبکر به خلافت وی (ص ۹۱)، شکایت حضرت فاطمه (س) از اولیاء امور (ص ۹۵)، تبعید ابوذر بوسیله عثمان (ص ۱۱۲، ۱۶۴)، نزاع عایشه و عثمان بر سر میراث پیامبر و نقش عایشه در منع فاطمه (ع) از میراث پیامبر و تحریک وی در کشتن عثمان (ص ۱۲۵) و اعتراض امیرمؤمنان به ابوبکر و عمر در مسئله خلافت (ص ۱۵۳) اکتفا شده است.

مجالس پایانی کتاب از سال ۴۰۸ به بعد از این گونه روایات کاملاً بر کنارت.

تفاوت شیوه نقل روایات را باید در مکان و زمان مجالس جستجو کرد، در سال ۴۰۴ مجالس در خانه برخی از شیعیان برگزار می‌شده نه در مسجد بخلاف سالهای بعد که محل تشکیل مجالس به مسجد انتقال می‌یابد و در نتیجه مفید می‌بایست نسبت به فتنه انگیزی فتنه جوین هوشیار بوده، بهانه به دست فرصت طلبان بیکار ندهد.

تغییر زمامداران بغداد در این امر نمی‌تواند بی تأثیر باشد. در سالهای نخستین برگزاری این مجالس، فخرالملک زمامدار بغداد از سوی امیر بویهی بوده که احتمالاً شیعی بوده و لااقل این قدر در باره وی مسلم است که نسبت به شیعیان نظر ملایمی داشته است، در زمان وی برپایی مراسم عاشورا و غدیر دو باره به گونه مسالمت آمیزی تجدید شد، وی در سال ۴۰۶ در اهواز به قتل رسید و جنازه او را به نجف اشرف منتقل کردند.<sup>۲۵</sup> پس از وی حسن بن سهلان به نیابت از بویهیان

.....  
۲۵ - کامل، ج ۹، ص ۲۶۰؛ العبر، فی خبر من غیر، ذهبی، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۲۰۰؛ المنتظم، ج ۱۲، ص ۵.

اداره امور بغداد را در اختیار گرفت، وی نسبت به شیعیان سختگیر بوده و اصولاً طبیعی خشن و مزاجی تند داشته و حکمرانی ستمگر بود.<sup>۲۶</sup> وی شیخ مفید را در سال ۴۰۹ (و یا احتمالاً در سال ۴۰۸) از بغداد تبعید کرد.<sup>۲۷</sup>

به هر حال با وجود تفاوت‌هایی که در مجالس امالی از جهت کیفیت توزیع روایت کلامی و اخلاقی وجود دارد هیچ یک از مجالس آن از این دو موضوع خالی نبوده بلکه در هر دو موضوع در هر مجلسی روایاتی عنوان گردیده است، تنها مجلس بیست و سوم در این مورد وضعیت استثنائی دارد که جداگانه از آن سخن می‌گوییم.

در مقایسه امالی مفید با امالی صدوق و امالی شیخ از زاویه دیگری به موضوع روایات امالی خواهیم نگرست.

#### مشایخ معروف مفید در امالی

روایات امالی از محدثان گوناگون نقل شده، روایات مشایخ در يك جا جمع نشده است (به جز در مجلس بیست و سوم) این امر می‌رساند که مفید در گزینش روایات نقش فعالی داشته و تنها مجموعه روایات مشایخ را به ترتیب املاء نکرده است، راویان اصلی امالی بخصوص در موضوع امامت، کسانی هستند که در نزد عامه از اعتبار و وجهه برخوردارند، راویان شیعی بیشتر در احادیث اخلاقی به چشم می‌خورند؛ در اینجا ما فهرست برخی از راویان معروف را به ترتیب مقدار تکرار روایات آنها در امالی ذکر می‌کنیم:

کل روایات امالی (بجز مجلس ۲۳) ۳۳۹ روایت است:

۱- ابوبکر محمد بن عمر بن محمد الجعابی حافظ معروف بغدادی (م ۳۵۵): ۶۶ روایت.

۲- ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه (م ۳۶۹): ۴۰ روایت.

۳- ابوالحسن احمد بن محمد الحسن بن الولید (بدون شمارش مجلس

.....  
۲۶ - کامل، ج ۹، ص ۳۰۶.

۲۷ - همان، ص ۳۰۷.



۲۳): ۳۰ روایت.

۴- ابو عبیدالله محمد بن عمران مرزبانی (م ۳۸۴): ۲۳ روایت.

۵- شیخ صدوق محمد بن علی بن الحسین بن بابویه (م ۳۸۱): ۲۲ روایت.

۶- ابوحفص عمر بن محمد بن علی صیرفی معروف به ابن زبّات (م ۳۷۵):

۲۲ روایت.

۷- ابوالحسن علی بن محمد بن حبش<sup>۲۸</sup> کاتب: ۱۹ روایت.

۸- ابوالحسن علی بن خالد مراعی: ۱۸ روایت.

۹- ابوالحسن علی بن بلال مهلبی: ۱۷ روایت.

این روایات تقریباً ۷۶ درصد روایات کتاب را روایت نموده‌اند.

در این میان قاضی ابن جعابی خود به تنهایی از ۳۳۹ روایت امالی، ۶۶

روایت یعنی حدود  $\frac{1}{5}$  روایات کتاب را نقل کرده است.

ابن جعابی و ابو عبیدالله مرزبانی و عمر بن محمد صیرفی و علی بن محمد

بن حبش از روایات معروف و شناخته شده در نزد عامه هستند که بر روی هم تقریباً

۳۹ درصد روایات کتاب را به خود اختصاص داده‌اند.<sup>۲۹</sup>

### مجلس بیست و سوم

در میان مجالس امالی، مجلس بیست و سوم از وضعیت کاملاً استثنایی برخوردار

است. این مجلس بر خلاف تمامی مجالس دیگر بدون ذکر تاریخ می‌باشد و تنها

در موضوع اخلاق بوده، اصلاً روایاتی در مورد امامت در آن دیده نمی‌شود، تمامی

روایات آن به يك سند از احمد بن محمد بن حسن بن ولید به اسنادش تا علی بن

.....  
رتال جامع علوم انسانی

۲۸- نام وی در برخی مصادر به اختصار و با نسبت به جد ذکر می‌شود، نام جد وی در امالی به صورت حبش

درج شده، ولی در فهرست شیخ، رقم ۷، از وی با عنوان علی بن حبش الکاتب یاد شده است؛ سپس شیخ

طوسی از مفید [با لقب الشیخ] حکایت می‌کند که صحیح حبش بدون یاء می‌باشد. خطیب بغدادی ترجمه

وی را در تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۸۷ تحت عنوان علی بن محمد بن عبداًله ابوالحسن يعرف یابن حبش

الکاتب آورده و می‌نویسد: وجدّه عبداًله هو الملقب بحبش.

۲۹- ترجمه این راویان را در تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، ج ۳، ص ۲۶ و ۱۳۵، ج ۱۱، ص ۲۶۰ و ج ۱۲، ص ۸۷

بنگرید.

مهزیار نقل شده و از روایات سایر مشایخ اصلاً خبری در آن نیست، این شواهد می‌رساند که این روایات به شیوهٔ املاء نقل نگردیده و در زمرهٔ مجالس امالی مفید به شمار نمی‌رود. تعداد روایات این مجلس نیز خود شاهد گویایی بر این معناست؛ چه بر خلاف سایر مجالس که هر يك در برگیرنده حدود هشت روایت و حداکثر ۱۶ روایت بوده و به طور متوسط حدود هشت صفحه کتاب را پر کرده است، مجلس بیست و سوم دارای ۴۷ روایت می‌باشد که در ضمن آنها رساله اخلاقی طولانی از امام سجّاد (ع) ذکر شده و ۳۳ صفحه کتاب را شامل می‌گردد. این مقدار روایت به هیچ وجه با يك مجلس املاء تناسب ندارد، مجلس امالی که استاد به ناچار روایات را آرام آرام می‌خوانده تا شاگردان بتوانند آن را بنویسند - خصوصاً اگر عمومی باشد - پذیرای بیش از حدود همان هشت صفحه را ندارد.

این قسمت امالی قبل از نخستین مجلسی که در سال ۴۰۸ روز ۲۴ رمضان انجام شده درج گردیده و به نظر می‌رسد که با توجه به فراهم نشدن زمینه برگزاری مجالس پیش از این روز، شیخ مفید قسمتی از کتاب زهد علی بن مهزیار را در اختیار راوی کتاب امالی قرار داده تا آن رابه جای مجالس انجام نشده در این مجموعه ثبت نماید، بنابراین مناسب است که این قسمت به عنوان جزئی از کتاب علی بن مهزیار به روایت شیخ مفید به گونه مستقل نشر یابد.

## راویان

۱- راوی اصلی کتاب و گوینده «اخیرنا» در آغاز روایات بروشنی معلوم نیست، در مقدمه امالی مفید علی بن محمد بن عبدالرحمان فارسی را راوی کتاب معرفی کرده‌اند<sup>۳۰</sup>، ولی این شخص کسی است که مجالس در سال ۴۰۴ در منزلش برگزار می‌شده و دلیلی بر اینکه راوی کتاب باشد در دست نیست، بلکه بنا بر ظاهر تعبیر آغاز امالی راوی کتاب او نیست.

به هر حال راوی امالی گاه خود حاضر نبوده و پسرش ابوالفوارس یا برادرش ابو محمد عبدالرحمان یا حسین بن علی نیشابوری روایات را از شیخ مفید

.....  
۳۰- امالی مفید، ص ۱۲.

شنیده‌اند، راوی مجالس خود پس از نسخه برداری از روایات مجالسی که حاضر نبوده آنها را بر مفید قرائت نموده است.<sup>۳۱</sup>

آنچه تا کنون گفته شد گزارشی از نسخه چاپی امالی مفید بود. از سایر منابع، راویان دیگری را که در این مجالس شرکت می‌کرده‌اند به دست می‌آوریم. شیخ طوسی در بسیاری از مجالس حاضر بوده و یا پس از مجلس، آنها را از شیخ مفید اخذ کرده است چنانچه پس از این خواهد آمد.

۲- در بحار به نقل از کتاب قبس المصباح روایت نخست مجلس سی و پنجم را از گروهی از شاگردان مفید نقل می‌کند، با این تصریح که شیخ مفید آن را در روز شنبه ۳ رمضان ۴۱۰ (همان تاریخ ذکر شده در امالی) روایت کرده است.<sup>۳۲</sup> این راویان عبارتند از: شریف مرشد ابو یعلی محمد بن حسن بن حمزه جعفری؛ شیخ ابو جعفر محمد بن حسن طوسی؛ شیخ صدوق ابوالحسین احمد بن علی نجاشی؛ شیخ زکی ابوالفرج مظفر بن علی بن حمدان قزوینی. صهرشتی به جز از مظفر بن علی، از سایر این دانشمندان در بغداد اخذ حدیث کرده و از مظفر بن علی در قزوین.

#### امالی مفید و امالی صدوق

\* ۱- محدث خبیر شیخ صدوق به املاء روایاتی از تاریخ ۱۸ رجب ۳۶۷ تا ۱۹ شعبان ۳۶۸ پرداخته که در ضمن کتاب امالی صدوق گردآوری شده است. در این ۱۳ ماه، ۹۷ مجلس املاء بر پا شده و در مجالس پایانی تصریح گردیده که در مشهد مقدس در هنگامی که صدوق به جانب دیار ماوراء النهر خارج می‌شده آنها را املاء کرده است و به احتمال بسیار زیاد دیگر مجالس نیز در شهرهای مشرق زمین برگزار می‌شده است.

بررسی تفصیلی این کتاب و مقایسه جزئیات آن با امالی مفید در این بخش از سخن در نظر نیست، بلکه ما تنها از زاویه شیوه گزینش روایات و موضوعات

.....

۳۱- امالی مفید، آغاز مجالس ۴- ۱۷، ۷- ۲۱، ۲۶- ۳۱.

۳۲- بحار الأنوار، علامه مجلسی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۸۰.

طرح شده در این مجالس به این دو کتاب می‌نگریم.

\* ۲ - روایات امالی صدوق بر خلاف امالی مفید در محور خاصی نیست و از بابهای مختلف معارف دینی در این کتاب روایت آمده است. بجز موضوعات اخلاقی و فضایل اهل بیت و امامت، روایاتی در زمینه فقه، کلام، توحید، تفسیر، تاریخ زندگی پیامبران و امامان، ماجرای شهادت امام حسین (ع)، داستان معراج، ثواب و پاداش اعمال و جز آن در این کتاب دیده می‌شود، روایاتی در ابطال حکم منجمان، حقوق حیوانات، آداب نزدیکی با همسر، نسب غیر معروف امیرمؤمنان و موضوعات پراکنده دیگر در امالی صدوق راه یافته است.

\* ۳ - شیخ صدوق با گستره اطلاعات حدیثی و آثار ارزشمند و بسیار روایی و اهتمام فوق‌العاده به امر روایات، گنجینه‌گرانهایی از علوم و معارف اهل بیت از خود بجای گذاشت، روایات بسیاری تنها از طریق آثار این محدث قمی به دست ما رسیده است، دانشمندان قم با ارج نهادن به روایات، میراث حدیثی گرانسنگی برای آیندگان فراهم آوردند و از این جهت حوزه قم باحوزه بغداد قابل مقایسه نیست، ولی کتابهای صدوق همگی در يك سطح از اعتبار نیست. شیخ صدوق در امالی به سان کتاب من لا یحضره الفقیه تنها به جمع آوری و نقل روایات معتبر نپرداخته، بلکه روایات بسیاری در این کتاب دیده می‌شود که هیچ معلوم نیست که صدوق خود به مضمون آنها ایمان داشته باشد، از این رو ما در امالی صدوق - بر خلاف امالی مفید - روایت‌هایی با متنهای دشوار و نیازمند توجیه و تأویل که در سطح عموم قابل طرح نیست و عموماً از جهت سند با اشکال مواجهند، روبرو می‌باشیم، روایاتی چون تفسیر ابجد (مجلس ۵۲ و ۵۳)، تفسیر ناقوس (مجلس ۴۰)، منقولاتی از وهب بن منبه و از کتابهای یهود و نصاری (مجلس ۱، ۳۳ و ۴۶)، روایاتی از تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) (مجلس ۳۳، ۵۷) از این گونه روایاتند. روایاتی از طرق عامه در ثواب شگفت انگیز بر برخی عبادات مانند روزه ماه رجب (مجلس ۸۰)، روزه ماه شعبان (مجلس ۷)، روزه ماه رمضان (مجلس ۱۲)، نماز جماعت (مجلس ۱۶)، نماز شب (مجلس ۴۸)، ثواب اذان (مجلس ۳۸) در امالی صدوق یافت می‌شود که برای برخی اذهان قابل هضم نیست، در امالی

صدوق داستانهایی نیز که از جهات تاریخی چندان تأیید نشده چون ماجرای دو طفلان مسلم (مجلس ۱۹) قابل بررسی است.

امالی مفید از این جهت بسیار منقح و از دشواری بر کنار است، روایات آن برای عموم قابل درک بوده، و روایات عامه نیز بیشتر در زمینه امامت - که بالطبع می‌بایست در آن درجه نخست به روایات عامه استناد شود - و یا روایات اخلاقی قابل فهم افراد عادی می‌باشد.



البته روش مفید به عنوان يك متکلم زبر دست با اندیشه‌های عقل گرایانه و با گرایشهای کلامی، ناچار می‌بایست با روش صدوق به عنوان يك محدث برجسته و مقید به روایات - بلکه به عقیده مفید، اخباری مسلک - متفاوت باشد مفید در چندین مورد از کتاب تصحیح الاعتقاد بر شیخ صدوق به خاطر گرایش اخباری اعتراض می‌کند. وی ظاهر گرایی و عدم تعمق در روایات و پیروی از راویان را نکوهش نموده (ص ۱۶)، اعتماد بر

روایات شاذ و دور افتاده را ناصواب می‌داند (ص ۱۹، ۲۳، ۵۶، ۵۸)، و مایل است علاوه بر نقل روایات، در معنای آن نیز دقت شود (ص ۲۲).

او می‌نویسد: اصحاب اخباری مسلک ما دارای ذهنی سالم ولی دور از تعمق بوده و بهره کمی از هوشیاری دارند و بدون دقت از کنار احادیث می‌گذرند و در سند آن تأمل نمی‌کنند و حق و باطل آن را از هم جدا نمی‌سازند.<sup>۳۳</sup>

.....  
۳۳ - تصحیح الاعتقاد، ص ۲۸.

البته ما در این مقام در صدد داوری بین این دو روش نیستیم، بلکه تنها گزارش آراء و تبیین نگرش مفید به مسلك اخباریگری قدیمی در نظر بوده است، با این حال در اینجا نباید از يك مطلب مهم که اشاره بدان در ضمن سخن رفت غافل بود، که با توجه به دشواری فهم و تأویل خواهی و تفسیر پذیری روایاتی چند از امالی صدوق، مطرح کردن این کتاب در سطح عموم و ترجمه آن بدون پاسخ کافی و قانع کننده به شبهاتی که از طرح روایات آن ناشی می‌گردد به هیچ عنوان شایسته نیست، ولی در امالی مفید این مشکل اصلاً به چشم نمی‌خورد.

### امالی شیخ مفید و امالی شیخ طوسی

امالی شیخ طوسی مجموعه روایاتی است که وی از ربیع الأول سال ۴۵۵ تا صفر ۴۵۸ در هنگامی که به اجبار از بغداد به شهر مقدس نجف کوچ کرده بود در آستانه امام علی (ع) املاء می‌کرده است، قسمتی از این مجموعه به صورت جزء جزء در ۱۸ جزء می‌باشد که آن را احیاناً امالی ابن الشیخ می‌خوانند. این نامگذاری درست نیست بلکه تمامی کتاب، املاء شیخ طوسی بوده با این تفاوت که این قسمت آن را فرزند شیخ طوسی، ابو علی حسن روایت کرده است، قسمت دیگر امالی شیخ طوسی به صورت مجلس مجلس از چهارم محرم ۴۵۷ تا ششم صفر ۴۵۸ در ۲۶ مجلس، املاء شده است. در قسمت نخست روز برگزاری مجالس روشن نیست و هر جزء ظاهراً چندین مجلس را در بر می‌گیرد، در قسمت دوم امالی شیخ طوسی تصریح شده که تمامی مجالس در روزهای جمعه بر پا شده و این می‌رساند این مجالس شبیه امالی مفید که در ماههای رمضان و نیز رجب، شعبان برگزار می‌شده در روز جمعه و به گونه منبرهای هفتگی در هنگام توجه مردمان به خدا برگزاری می‌شده است. البته در این قسمت امالی طوسی در نسخه کنونی، اختلالات فراوانی راه یافته، تاریخ مجالس پس و پیش است، روایات در هم ریخته است که نشانگر پس و پیش شدن اوراق نسخه موجود می‌باشد، تواریخ مجالس نیز با هم نمی‌خوانند مثلاً مجلس چهارم محرم ۴۵۷ و ۲۶ صفر این سال هر دو در جمعه

دانسته شده که با هم قابل جمع نیست<sup>۳۳</sup> (مگر با تکلف) و نیز ۱۱ صفر ۴۵۷ و ۲۴ صفر این سال هر دو نمی‌تواند در جمعه باشد.<sup>۳۵</sup>

به هر حال شیخ طوسی در این املاءها، روایات خود از مشایخ را هر يك در جای مخصوصی و به دنبال هم آورده است، نخست از روایات مفید آغاز نموده و سپس روایات سایر مشایخ خود را که بیشتر از عامه‌اند نقل کرده است. بدین ترتیب ما نیز بحث و بررسی در مورد این دو کتاب را در دو قسمت دنبال می‌کنیم، نخست به جستجوی میزان تأثیر امالی مفید در امالی شیخ طوسی و ارتباط این دو کتاب با هم می‌پردازیم، سپس سایر روایات شیخ طوسی را با امالی مفید مقایسه خواهیم کرد.

### تأثیر امالی مفید در امالی شیخ

شیخ طوسی به سال ۴۰۸ به بغداد وارد شده و تنها ۵ سال آخر عمر شیخ مفید را درك کرده است، مجالس املاء حدیث مفید چهار سال قبل از ورود شیخ طوسی به بغداد آغاز شده است، شیخ طوسی يك سال پس از ورود، در سال ۴۰۹ در این مجالس شرکت جسته است. وی در امالی خود در جزء اول و اوائل جزء دوم، مجالس ۲۶ تا ۳۳ امالی مفید و در اواخر جزء دوم تا اوائل جزء پنجم، مجالس ۳۴ تا پایان امالی مفید را روایت کرده است. در میان این روایات، روایات کمی نیز از ابن عقده و ابوغالب زراری دیده می‌شود که به روایت مفید نیست، پس از پایان گرفتن روایات امالی مفید تا اوائل جزء نهم، روایات دیگری از مفید نقل شده است، بسیاری از این دسته روایات و روایات دیگر امالی شیخ از مفید بر سبک و سیاق امالی مفید نیست، بلکه بر خلاف روایات امالی مفید روایات بسیار از محدثان امالی نقل شده چندین روایت پشت سر هم از ابوالطیب حسین بن محمد نحوی حکایت گردیده.<sup>۳۶</sup> موضوع جمله‌ای از احادیث با روایات امالی مفید

.....

۳۳ - امالی شیخ طوسی، مکتبه دآوری، قم (افست از چاپ نجف)، ج ۲، ص ۱۲۸، ۱۵۷.

۳۵ - امالی شیخ طوسی، ج ۲، ص ۱۷۴، ۱۸۷.

۳۶ - امالی شیخ، اول جزء اول.

سازگار نیست مثلاً عبارتی به نقل از وهب بن منبه از زبور روایت شده است،<sup>۳۷</sup> ولی بسیاری از روایات این قسمت نیز درست بر همان شیوه امالی مفید می‌باشد و از اینجا این احتمال به وجود می‌آید که شاید مجالس املاء مفید در سال ۴۱۱ پایان نگرفته، بلکه شیخ مفید در سالهای دیگر از عمر خود نیز به املاء و نویساندن احادیث اشتغال داشته ولی راویان مجموعه کنونی امالی، در مجالس آن حاضر نبوده‌اند.

نکته جالب توجه در اینجا این است که در اواسط جزء هفتم، روایات مجلس ۲۱ و ۲۲ امالی مفید که در سال ۴۰۷ یعنی قبل از ورود شیخ به بغداد املاء گردید، روایت شده است، گویا شیخ طوسی مدتها پس از برگزاری این مجالس آن را از شیخ مفید اخذ نموده است.

پس از پایان یافتن روایات مفید، روایات کمی از مفید در پایان جزء چهاردهم نیز روایت شده و در بقیه اجزاء، روایات مشایخ دیگر گزارش شده است.

به هر حال مقایسه قسمت‌هایی از امالی طوسی که از امالی مفید برگرفته شده با این کتاب می‌رساند که شیخ طوسی در مورد این روایات نقش فعالی نداشته و تقریباً تمامی روایات مفید را بعین ترتیب، املاء نموده است. تفاوت‌های کمی که در ترتیب دیده می‌شود به این نتیجه لطمه‌ای وارد نمی‌سازد، البته شیخ طوسی روایات غیر معصومین چون شریح قاضی (ص ۲۴۵) و قطعاتی از اشعار امالی مفید را نقل نکرده است، و در نتیجه نقش چندان مؤثری در گزینش روایات بازی نکرده است، شاید به همین جهت است که عنوان روایات مفید از نسخه معتبری از امالی طوسی که در کتابخانه ملک تهران نگهداری می‌شود چنین است: احادیث محمد بن محمد بن النعمان روایت محمد بن الحسن الطوسی، شبیه این عنوان در باره روایت سایر مشایخ نیز دیده می‌شود که ممکن است از آن برداشتی مشابه این برداشت بشود.

#### روایات امالی شیخ طوسی از غیر مفید

در امالی شیخ طوسی روایات بسیاری از مشایخ دیگر وی املاء شده که بیشتر آنها

.....  
۳۷ - امالی شیخ، جزء ۴، ج ۱، ص ۱۰۵ و نیز جزء ۷، ج ۱، ص ۱۸۵.



- بخصوص در قسمت معروف به امالی ابن الشیخ - سنی هستند. شیخ طوسی در باره برخی از آنها چون ابن ابی الفوارس و ابن صلت اهوازی تصریح می‌کند که روایات را آنها املاء نموده و وی شنیده است<sup>۳۸</sup> در باره جمله‌ای دیگر از مشایخ چون هلال حفار و علی بن شبلی نیز می‌نویسد که بر آنها قرائت می‌کردند و من می‌شنیدم<sup>۳۹</sup> و در مورد پاره‌ای دیگر چون ابن حمّامی و ابن مخلد و حمویة بن علی تنها به کلمه «قراءة علیه» اکتفا نموده<sup>۴۰</sup> که ممکن است به قرائت شیخ و یا به قرائت شخص دیگری باشد، در باره گروه چهارمی از آنها معلوم نیست که روایت به چه نحو باشد.<sup>۴۱</sup>

به هر حال شیخ طوسی از مشایخ خود در سالهای ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۳، ۴۱۷ در حیات مفید و پس از مرگ وی در اماکن مختلف بغداد چون خانه‌های مشایخ که در محلات گوناگون این شهر چون درب زعفرانی، محله بنی فزاره، درب سلولی، باب مخول و یا در مسجد رصافه در جانب شرقی بغداد، مسجد خیابان دار الرقیق و در خانه غضائری اخذ کرده است.<sup>۴۲</sup> وی از ابو محمد فحام نیز در سرمن رای روایت دریافت داشته است.<sup>۴۳</sup> و این خود رساننده تلاش مستمر شیخ طوسی برای جمع آوری حدیث از مشایخ - که بیشتر از سالخوردهگان و معمران بوده‌اند - می‌باشند.

ولی با این حال روایات امالی شیخ طوسی يك تفاوت اساسی با روایات امالی مفید دارد، در روایات امالی شیخ طوسی در بسیاری از موارد به روایات بسیاری به طور متوالی به يك سند از کسانی چون ابن عقده (جزء ۹ و ۱۰) ابو قتاده (جزء ۱۰ و ۱۱) ابراهیم بن اسحاق احمری (جزء ۱۴) ابوالفضل شیبانی

.....

۳۸ - امالی شیخ، جزء ۱۱، ج ۱، ص ۳۱۲؛ جزء ۱۲، ج ۱، ص ۳۴۰.

۳۹ - امالی شیخ، جزء ۱۳، ج ۱، ص ۳۸۵؛ جزء ۱۴، ج ۲، ص ۱۹.

۴۰ - امالی شیخ، جزء ۱۳، ج ۱، ص ۳۸۹ و ۳۹۱؛ جزء ۱۴، ج ۲، ص ۱۳.

۴۱ - امالی شیخ، جزء ۹، ج ۱، ص ۲۵۲؛ جزء ۱۰، ج ۱، ص ۲۸۰؛ جزء ۱۱، ج ۱، ص ۱۸۹، ۱۹۳، ۱۹۵؛ جزء ۱۴، ج ۲، ص ۸، ۳.

۴۲ - به صفحاتی که در باورقیهای قبل ارجاع داده شد مراجعه شود.

۴۳ - امالی شیخ، جزء ۱۰، ج ۱، ص ۲۸۰.

(جزء ۱۶ - ۱۸) نقل شده که به نظر می‌رسد شیخ طوسی آنها را از روی کتاب این اشخاص املاء می‌کرده است. شیخ طوسی برخی از مجالس امالی را به طور کامل به روایت حسین بن عبیدالله غضائری روایت کرده است. (جزء ۱۵).  
با عنایت به امور بالا به این نتیجه می‌رسیم که شیخ در این کتاب به اندازه مفید در امالی به گونه مستقل به گزینش روایات نمی‌پردازد و گزینش آنها تحت تأثیر املاءها یا کتابهای محدثان گذشته می‌باشد.

#### بررسی موضوع روایات در این دو کتاب

موضوعات امالی طوسی بر خلاف امالی مفید بر يك یا چند محور خاص دور نمی‌زند و به سبک و سیاق امالی صدوق نزدیکتر است هر چند به پراکندگی و گستردگی امالی صدوق نیز نمی‌رسد، روایات بحث انگیز و توجیه پذیر امالی طوسی نیز به اندازه روایات این گونه امالی صدوق نیست.

به هر حال در امالی مفید موضوعاتی چون داستانی از صفیه بنت عبدالمطلب (ص ۲۶۷)، کیفیت قسمت غنایم در جنگ خیبر (ص ۲۶۸)، تاریخ وفات پیامبر به نقل از ابوبکر بن حزم (ص ۲۷۲)، بلند خواندن امام صادق (ع) بسم الله الرحمن الرحیم را (ص ۲۷۹)، مدح عباس و ابن عباس (ص ۲۸۰)، دعاء استخاره (ص ۲۹۹)، فائده انگشتر عقیق (ص ۳۱۸)، نهی از نذر پیاده به حج رفتن (ص ۳۶۹)، فائده خوردن کشمش (ص ۳۷۵)، و یا سایر میوه‌جات (ص ۳۷۶) و یا مسائل فقهی (ص ۳۵۷) دیده می‌شود، ما این موضوعات را تنها به عنوان نمونه آن هم از جلد نخست امالی بر گزیده‌ایم، نظیر این موضوعات را در جلد دوم امالی نیز می‌یابیم. البته موضوع امامت و اخلاق در این کتاب نیز نقش والایی داشته و مورد اهتمام بوده است.

با يك نگاه اجمالی به سه کتاب امالی از شیخ صدوق و شیخ مفید و شیخ طوسی چنین به نظر می‌آید که گزینش امالی مفید از دو کتاب دیگر حساب شده‌تر است و با حوصله و دقت و وسواس بیشتری صورت پذیرفته است.  
در اینجا بحث از امالی مفید را به پایان می‌بریم هر چند برخی از بحثهای

مهم چون سنت املاء در فرهنگ اسلامی و فهرست امالی مختلف از دانشمندان مذاهب مختلف، آغاز املاء در تمدن اسلامی بر جای مانده که به تتبع و جستجویی دامنه دار نیازمند است. معرفی چاپهای مختلف کتاب و ترجمه‌های آن نیز در این مقال در مد نظر نبود.

#### \* ج - مقنعه

شیخ مفید سرآمد متکلمان و فقیهان عصر خویش بود و چنانچه پیشتر گفته شد پس از کلام، موضوع اکثر کتابهای وی فقه می‌باشد، در میان کتابها و رساله‌های فقهی وی، کتاب مقنعه با اشتمال بر يك دوره کامل فقه، مهمترین اثر فقهی وی بوده و بروشنی چهره فقهی مفید را می‌نمایاند، از این رو در این قسمت از مقال به بحث و بررسی این کتاب در ضمن عناوین زیر می‌پردازیم:

۱- گزارشی از کتاب مقنعه؛ ۲- مقنعه و آثار فقهی متقدم؛ ۳- جایگاه مقنعه در میان متون فقهی موجود؛ ۴- مقنعه و تهذیب الأحکام؛ ۵- نکاتی در باره مقنعه.

#### گزارشی از کتاب مقنعه

شیخ مفید در پاسخ درخواست فردی که از وی با عنوان «السید الامیر الجلیل اطال الله فی عزالدین و الدنيا مدته...» یاد می‌کند، مختصری در احکام نوشته است، وی در آغاز، عقائدی را که اعتقاد به آنها بر تمامی مکلفان واجب است به گونه کاملاً کوتاه و موجز ذکر کرده است.<sup>۲۲</sup>

با نگاهی اجمالی به این کتاب در می‌یابیم که مقنعه بیشتر به مسائلی که در روایات طرح شده نظر داشته است، این کتاب با طرح کردن دعاها و زیارات و نمازهای مستحبی طولانی و بابی در تاریخ ولادت و وفات امامان (ع) و جز آن، از محدوده يك اثر فقهی به معنای مصطلح کنونی خارج شده و با نقل فراوان روایات فقهی، چهره فقهی - حدیثی به خود گرفته است و بویژه با توجه به عدم نقل پاره‌ای از روایات آن در مصادر حدیثی موجود به عنوان يك مصدر حدیثی تلقی می‌گردد.

.....

۲۲- مقنعه، شیخ مفید، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۰، ص ۲۷ - ۳۵.

این کتاب تنها يك متن فقهی که به ذکر فتاوی اختصاص داشته باشد نیست، بلکه در بسیاری از موارد با طرح آیات مربوطه - بویژه در آغاز ابواب - و یا روایات و اشاره به اجماع و اتفاق به استدلال بر فتاوی پرداخته است، آیات نقل شده غالباً تفسیر شده‌اند. در نتیجه این کتاب را به عنوان اثری در فقه القرآن و فقه استدلالی نیز می‌توان مطرح نمود.

بدین ترتیب این کتاب دربرگیرنده موضوعات و مسائل مختلفی است که در آثار متأخر نه در ضمن يك کتاب بلکه در کتابهایی چند مطرح می‌شود، آنچه گفته آمد نگاهی گذرا به مقنعه بود.

### تفصیل بیشتر

حال با طرح مطالبی چند با شرح و تفصیل بیشتر و از دیدگاه نزدیکتری به این کتاب می‌نگریم:

۱ - عبارات مقنعه هر چند بیشتر دربرگیرنده مسائل منصوصه است ولی الفاظ آن الزاماً عين الفاظ روایت نیست، بلکه در بسیاری موارد عبارات به انشاء خود مفید است.

۲ - شیخ مفید در بسیاری از موارد به روشن نمودن مسائل طرح شده در روایات می‌پردازد و به اجمال و ایجاز بسنده نمی‌کند، امری که گاه به تکرار می‌انجامد.

۳ - گرایش به طرح مسائل به صورت جزئی در این کتاب مشاهده می‌گردد و از این رو به جای طرح مسائل به صورت کلی، احیاناً دو مسئله نزدیک به هم با عباراتی مشابه بیان می‌شود، مثلاً در باب نماز (ص ۱۰۳ - ۱۳۷) در مورد هر يك از نمازهای روزانه، آداب و سنن مشترك تکرار شده است.

۴ - مفید در باب نماز و حج ابتدا به تفصیل به ذکر اعمال واجب و مستحب آنها - بدون جدا سازی هر يك از دیگری - می‌پردازد و سپس آداب واجب را از آداب مستحب جدا می‌کند،<sup>۲۵</sup> در این جا استقلال عبارتهای مفید از عبارات روایات

.....  
۲۵ - مقنعه، ص ۱۰۳ - ۱۴۵ و ۲۹۶ - ۴۳۰ و ۴۳۱.

بروشنی دیده می‌شود و در عین حال عدم تمایل مفید به موجز نویسی و اختصار گویی نیز مشهود است.

۵ - مفید در مقننه به هیچ وجه به نقل اقوال و اختلافات نمی‌پردازد، همگی عبارات به صورت فتاوی قاطع بوده و جز در موارد کاملاً استثنائی از احتیاط خبری نیست<sup>۴۶</sup> وی در این کتاب از هیچ فقیه امامی با ذکر اسم مطلبی نقل نمی‌کند تنها در باب حکم خمس در زمان غیبت - که مسئله غیر منصوصه است - به نقل اقوال مختلف بدون ذکر قائل آنها پرداخته<sup>۴۷</sup> و نیز در باب جزیه به تفصیل به اختلاف اقوال فقهای عامه اشاره کرده است.<sup>۴۸</sup> جز اینها در موارد اندک دیگر نیز با کلمه «قیل» و یا نقل روایت متعارض به احتمال دیگر اشاره نموده است.<sup>۴۹</sup>

۶ - در کتاب طهارت بیشتر به ذکر فتاوی پرداخته و از ذکر آیات و روایات خودداری شده است، هر چند الفاظ فتوا در بیشتر موارد به الفاظ نصّ نزدیک است، ولی به صورت ذکر روایت نیست. کتاب صلوات با ذکر آیات و روایات آغاز شده و این امر در کتابهای زکات و صیام و حج و کتاب انساب و زیارات ادامه یافته است، این ابواب از ذکر ادله و روایات مشحون است، ولی از باب نکاح تا پایان کتاب همچون کتاب طهارت روایت، کم نقل می‌شود.

۶ - ذکر دعاهاى طولانى و نماز و اعمال مستحبى ديگر و فراوانى روايات در بابهاى نخستين، حجم اين بابها را بسيار گسترش داده است. در نتيجه ابواب عبادات و ملحقات آنها دو سوم حجم مقننه را در بر مى‌گيرد. اين حجم لا اقل دو برابر حجم متعارف اين بابها در ساير كتابها مى‌باشد.

۷ - مفید در پاره‌ای از فروع فقهی که در نگاه نخست عجیب به نظر می‌رسد با اشاره به ورود روایت خاص از امامان معصوم در این مورد، لزوم عمل به این احکام را گوشزد می‌کند.<sup>۵۰</sup>

.....

۴۶ - بنگرید مقننه، ص ۲۴۷.

۴۷ - مقننه، ص ۲۸۵.

۴۸ - مقننه، ص ۲۷۰.

۴۹ - به طور نمونه مقننه، ص ۱۵۲، ۴۳۱، ۴۴۲، ۶۸۷.

۵۰ - مقننه، ص ۶۰، ۲۳۸، ۲۴۰، ۳۴۶، ۳۵۰، ۳۶۱، ۳۶۲، و غیر آنها.

۸- مفید گاه به بیان علت حکم چون مشقت و سختی و مخالفت با ملسوك و لطف الهی و رحمت حضرت حق و مانند آن می‌پردازد<sup>۵۱</sup> که بیشتر برای تقریب ذهن است نه اشاره به مدرک حکم.

مفید گاه روایات متعارضه را ذکر کرده و با توجه به عدم تناقض در کلام امامان بر لزوم جمع مابین آنها تأکید می‌ورزد، مثلاً با توجه به روایاتی که زکات را تنها در نه چیز واجب می‌داند روایات دیگری را در مورد زکات در سایر حبوبات، حمل بر استحباب اکید می‌کند.<sup>۵۲</sup>

۹- مفید در باب اوقات نماز به تفصیل در باره علائم نجومی و قتهای نماز سخن می‌گوید<sup>۵۳</sup> که آشنایی وی را با این مسائل نشان می‌دهد، در باب اصناف اهل جزیه به طور مشروح به نقل اقوال فقهاء عامه و استدلال در صحت و سقم آنها و ذکر طوایف مختلف کافران چون یهود و نصاری و مجوس و صائبیان و مانویه و مزدکیه (= مزدقیه) و دیصانیه و مرقونیه و ماهانیه و کیتونیه و سمنیه و حکم فقهی آنها در مسئله جزیه پرداخته است و در مورد آراء اساسی برخی از آنها بویژه صائبیان توضیحاتی داده تا بتواند نظر فقهای عامه را در این مورد پاسخ دهد.<sup>۵۴</sup>

۱۰- در باب موارث در باره فروع مختلف ارث و شیوه محاسبه و تقسیم میراث بحث شده است<sup>۵۵</sup> البته در کتاب میراث در بسیاری از کتابهای علمای سابق حتی در کتابهای حدیثی، فرعهای مفصلی بجز فروع وارده در آیات و روایات طرح شده است، مثلاً در کافی از یونس بن عبدالرحمان و فضل بن شاذان مسائل بسیاری در این باب نقل شده است.<sup>۵۶</sup>

۱۱- مفید پس از شش باب از ابواب عبادات، بابهایی را به عنوان باب

.....

۵۱- مقنعه، ص ۷۰، ۳۵۷.

۵۲- به طور نمونه مقنعه، ص ۲۴۴، ۲۴۸، ۲۶۹، ۲۷۷، ۳۵۲.

۵۳- مقنعه، ص ۹۲.

۵۴- مقنعه، ص ۲۷۰- ۲۷۲.

۵۵- مقنعه، ص ۷۰۶- ۷۱۸.

۵۶- کافی، ج ۷، کتاب الموارث.

زیادات گشوده که در آن بیشتر به ذکر روایات و گاه مسائلی که در فصلهای قبل ذکر نشده پرداخته است، در پایان کتاب صیام دو باب زیادات دیده می‌شود.<sup>۵۷</sup> این ابواب می‌بایست از افزوده‌های مؤلف پس از تألیف کتاب بر آن باشد.

۱۲- مفید در اثبات حرمت ذبیحه‌های اهل کتاب و ازدواج با زنان ایشان بحث نموده است.<sup>۵۸</sup> این دو بحث کلامی که مفید را به تألیف دو کتاب مستقل نیز واداشته، گرایش کلامی مفید را در مقنعه نیز می‌نمایاند. این گرایش در مباحث دیگری از جمله جواز وصیت به سود وارث<sup>۵۹</sup> نیز مشاهده می‌گردد.

برخی از نکات خاص مقنعه در بخش مستقلی در پایان این قسمت از مقال مطرح خواهند شد.

با عنایت به آنچه گذشت درمی‌یابیم که مقنعه بر خلاف آنچه گاه نوشته می‌شود تنها يك اثر فقه منصوص نیست که به روایات اختصاص داشته و با حذف اسناد آنها تنها به متون روایات اکتفا شده باشد، البته در بسیاری از مباحث بویژه در باب معاملات، الفاظ مقنعه به الفاظ روایات نزدیک است. از سوی دیگر مقنعه تمامی فرعهای ممکن را نیز در بر ندارد و مسائلی که در روایات نیامده در آن اندک است بنابراین، این کتاب فقه تفریعی نبوده بلکه در مجموع، فقه روایی به حساب می‌آید، از این رو عبارت شیخ طوسی در مقدمه مبسوط - که در آن کتب فقهی پیش از مبسوط را تنها در دایره فقه روایی و برکنار از تفریعات می‌داند - تقریباً در مورد مقنعه نیز می‌تواند صادق باشد.

### مقنعه و آثار فقهی متقدم

پیش از کتاب مقنعه کتابهای فقهی بسیاری به دست دانشمندان شهرهای مختلف و به سبک و سیاق گوناگون به رشته تحریر در آمده و پس از این کتاب نیز ادوار مختلفی بر فقه شیعه گذشت. گزارش گویا و پخته‌ای از تاریخ تحول و تکامل فقه

.....

۵۷ - مقنعه، ص ۱۹۵، ۲۳۰، ۲۵۳، ۲۷۹، ۳۷۴، ۳۷۸، ۴۴۰.

۵۸ - مقنعه، ص ۵۸۰، ۵۸۱.

۵۹ - مقنعه، ص ۶۷۰.

شیعه توسط جناب حجت الاسلام سید حسین مدرسی طباطبائی در مقدمه زمین در فقه اسلامی و کتابشناسی فقه شیعه ارائه شده که مراجعه بدان سودمند است. متأسفانه اکنون از بسیاری از آثار متقدم بر مقننه مفید خبری در دست نیست و تنها بندهایی از پاره‌ای از آنها در کتابهای دیگر بویژه کتب محقق و علامه و شهید اول به چشم می‌خورد، از این رو نمی‌توان مقایسه دقیق و همه جانبه‌ای میان مقننه با آثار متقدم صورت داد و اثرشان را در این کتاب ردیابی کرد، بدین ترتیب می‌بایست از آثار فقهی دوران حضور امامان و اکثر آثار فقهی عصر غیبت صغری درگذشت، هر چند شواهدی دلالت بر آن دارد که لااقل بیشتر این آثار به شیوه فقه روایی و در قالب کتاب حدیثی نگارش یافته بودند<sup>۶۰</sup> و بالطبع اثری فقهی به معنای کنونی به حساب نمی‌آیند.

در این عصر و پس از آن فقیهانی صاحب نام می‌زیستند که کم و بیش آراء و نظارشان در کتابهای بعدی مطرح می‌گردد، مناسب می‌نماید که از برخی از آنان یاد شود و نحوه اتصال مکتب فقهی شیخ مفید با آنها تبیین گردد، در ابتدا باید از شیخ جعفر بن محمد بن قولویه (۳۶۸م) نام برد که شیخ مفید در نزد وی فقه آموخته و مهمترین و شاید تنها استاد فقه وی باشد، در میان آثار وی نام چندین کتاب فقهی دیده می‌شود.<sup>۶۱</sup> که بسیاری از آنها را نجاشی در نزد مفید خوانده است، هیچ يك از این کتابها در دست نیست و در نتیجه نمی‌توان از محتوای آن گزارش داد.

ابن قولویه از فقیهان بزرگی چون کلینی (۳۲۸م یا ۳۲۹)، علی بن بابویه (۳۲۸م یا ۳۲۹)، محمد بن حسن بن ولید (۳۴۳م)، ابن ابی عقیل، ابوالفضل محمد بن احمد صابونی جعفی روایت می‌کند<sup>۶۲</sup> و در نتیجه می‌تواند واسطه اتصال مفید با این دانشمندان باشد.

نظرات کلینی در کتاب کافی، و محمد بن حسن بن ولید در کتاب جامع با

.....  
۶۰ - از جمله، این گفته ابو علی طوسی که اولین کسی که اسناد را از متون روایات جدا ساخت علی بن بابویه بود (بحار، ج ۱۰۷، ص ۳۰).

۶۱ - رجال نجاشی، رقم ۳۱۸؛ فهرست شیخ، رقم ۱۳۰.

۶۲ - رجال نجاشی، ارقام ۱۰۰، ۱۰۲۲، ۱۰۲۶؛ فهرست شیخ، ارقام ۵۹۱، ۸۷۷، ۸۸۶ و نیز به آثار مفید و کتاب کامل الزیارات، ابن قولویه مراجعه شود.



نقل احادیث صورت می گرفته است.

نقش این فقیهان تنها در گزینش روایات مورد فتوا و تنظیم و تبویب آنها می باشد، علی بن بابویه نخستین شخصیتی بود که با حذف اسناد روایات، متنی فقهی از متون روایات فراهم آورد،<sup>۶۳</sup> مطالب این کتاب با راه یافتن بندهایی از آن در آثار متأخر چون مقنع و کتاب من لا یحضره الفقیه توانست تا حدودی باقی بماند. گرایش علی بن بابویه ظاهراً همسان گرایش پسرش شیخ صدوق بوده که در فصل بعدی از آن سخن خواهیم گفت، کتاب فقه الرضا نیز که ظاهراً همان کتاب تکلیف شلمغانی است<sup>۶۴</sup> به همین گرایش و مشابه اثر علی بن بابویه می باشد.

ابوالفضل صابونی فقیه بلند رتبه و پر اثر شیعی، صاحب کتاب فاخر و کتابهای بسیار دیگر در ابواب مختلف فقه در مصر ساکن بوده و ابن قولویه برخی از کتابهایش را از وی روایت می کند، هیچ يك از نجاشی و شیخ در ذکر طرق خود به وی از شیخ مفید نام نبرده اند<sup>۶۵</sup> و اصلاً معلوم نیست که کتابهای وی به حوزه بغداد رسیده باشد.

در این طبقه حسن بن علی بن عقیل عمانی فقیه متکلم نامدار با تألیف کتاب مشهور المتمسک بحبل آل الرسول مهمترین جایگاه فقهی را به خود اختصاص داد<sup>۶۶</sup>، بندهایی از این کتاب که در کتابهای بعدی بویژه مختلف علامه نقل شده، نشانگر استقلال اندیشه و قدرت فقهی وی می باشد. اثر فقهی وی شاید نخستین کتاب فقه به شیوه ای غیر از فقه روایی باشد. به گفته نجاشی شیخ مفید وی را بسیار می ستوده است. نجاشی کتاب کزو فرابن ابی عقیل را که در امامت بوده در نزد مفید خوانده آن را به ملاحظت وصف می کند، بدرستی معلوم نیست که ستایش مفید از ابن ابی عقیل از شخصیت کلامی وی بوده یا از شخصیت فقهی او.

.....

۶۳ - بحار الأنوار، ج ۱۰۷، ص ۳۰.

۶۴ - ببینید رساله فصل القضاء فی الکتاب المسمی بفقہ الرضا، تألیف مرحوم آیت الله سید حسن صدر، که در ضمن کتاب آشنایی با چند نسخه خطی، قم، ۱۳۹۶ق از صفحه ۳۸۹ تا ۴۴۲ به چاپ رسیده است.

۶۵ - رجال نجاشی، رقم ۱۰۲۲؛ فهرست شیخ، رقم ۸۷۷.

۶۶ - رجال نجاشی، رقم ۱۰۰؛ فهرست شیخ، رقم ۱۹۳، ۸۸۶.

همچنین معلوم نیست که کتاب المتمسك بحبل آل الرسول تا چه حد در مقنعه اثر گذاشته است، به کار رفتن تعبیر آل الرسول و آل محمد در پاره‌ای از عبارات مقنعه<sup>۶۷</sup> می‌تواند نشانی از این تأثیر باشد بویژه تعبیر آل الرسول که ابن ابی عقیل آن را مکرر به کار برده<sup>۶۸</sup> و از آن در نام کتابش نیز بهره گرفته است.

شیخ مفید علاوه بر ابن قولویه از فقهای دیگر چون شیخ صدوق (م ۳۸۱) و محمد بن احمد بن داود (م ۳۶۸) نیز روایت می‌کند، ولی معلوم نیست نزد آنها فقه آموخته باشد.

فقیه دیگری که از اساتید شیخ مفید می‌باشد محمد بن احمد بن جنید اسکافی مؤلف دو کتاب مهم تهذیب الشیعة و المختصر الأحمدي للفقہ المحمدي می‌باشد، ابن جنید متکلم برجسته و پر اثر - که به همراه ابن ابی عقیل با لقب قدیمین خوانده می‌شود - چون همتایش دارای استقلال رأی بوده است، ولی گرایش وی به قیاس<sup>۶۹</sup> و آراء خاص دیگرش شاگرد او را بر علیه او شورانده است؛ شیخ مفید شدیداً بر وی حمله کرده<sup>۷۰</sup> و دو عنوان کتاب بر ضدش تألیف می‌کند<sup>۷۱</sup>، در نتیجه وی نمی‌تواند نقش مهمی در شکل‌گیری فقه شیخ مفید داشته باشد. به هر حال ممکن است مقنعه يك اثر کاملاً ابتکاری باشد که البته از تأثیر آثار متقدم بویژه آثار ابن قولویه و نیز کتاب ابن ابی عقیل و آثار صدوق نباید بر کنار باشد.

تنها اثر قابل توجه در اینجا رساله‌ای بوده است منسوب به امام هادی (ع) به نام: المقنعه فی ابواب الشریعه که رجاء بن یحیی عبرتایی آن را روایت می‌کند.<sup>۷۲</sup> با توجه به عدم دستیابی به این کتاب، ارتباط مقنعه مفید با آن قابل بررسی

.....

۶۷ - به طور نمونه مقنعه، ص ۲۲۸، ۲۴۰، ۲۴۵، ۳۴۶، ۳۶۲.

۶۸ - رسالتان مجموعتان من فتاوی‌العلمین، ابن بابویه و ابن ابی عقیل به کوشش عبدالرحیم بروجردی و علی پناه‌اشتهاردی، قم، ۱۴۰۶، ص ۳۱، ۵۰، ۶۲، ۶۷، ۶۸، ۸۰، ۸۴، ۱۰۷، ۱۱۳، ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۳۷.

۱۵۱، ۱۵۲، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۶۸ و نیز ر.ک: ص ۲۳، ۱۲۳.

۶۹ - فهرست شیخ طوسی، رقم ۵۹۰؛ رجال نجاشی، رقم ۱۰۴۷.

۷۰ - المسائل الصاغانیة، ص ۱۷ - ۲۲.

۷۱ - یکی به نام (نقض) رسالة الجنیدی الی اهل مصر و دیگری با نام «النقض علی ابن الجنید فی اجتهاد الرأی» که اتحاد آن دو محتمل است. رجال نجاشی رقم ۱۰۶۷.

۷۲ - رجال نجاشی، رقم ۲۳۹.

نیست. همچنین با فقدان اکثر آثار متقدم بر مقنعه مفید، بیش از این نمی‌توان در این باره سخن گفت.

نمایاندن جایگاه مقنعه در میان آثار موجود متقدم و متأخر فقهی بویژه دو کتاب مقنعه صدوق و نه‌ایه شیخ طوسی در عهده بخش بعدی قرار دارد.

#### جایگاه مقنعه در میان متون فقهی موجود

۱- از آثار فقهی پیش از عصر مفید تنها کتاب مقنعه صدوق در برگیرنده تمام ابواب فقه بوده و نسخه آن اکنون در دست می‌باشد. پس از شیخ مفید - حتی از سید مرتضی - يك متن کامل فقهی به سبک مقنعه سراغ نداریم. البته کتاب انتصار در برگیرنده تمام ابواب فقه می‌باشد ولی نه در تمامی مسائل، بلکه فقط در مسائلی که امامیه بدان منفرد بوده و یا گمان انفرادشان در کار بوده است. *جمل العلم و العمل* سید مرتضی نیز با وجود مشابهت‌هایش با مقنعه يك دوره کامل فقهی نیست. پس از سید مرتضی نه‌ایه شیخ طوسی با سبک و سیاق مقنعه در تمام ابواب فقه تألیف شده است. وجود مشابهت بین مقنعه و مقنعه و نه‌ایه ما را بر آن داشت که در این بخش محور بحث را، این سه کتاب قرار داده، جایگاه مقنعه را در این میان باز شناسیم. در ضمن بحث به صورت اشاره به سایر کتابها نیز خواهیم پرداخت.

۲- این سه کتاب به يك معنی فقه منصوص بوده و فقه تفریعی به حساب نمی‌آیند، هر چند در مقنعه و نه‌ایه در حد محدودی مسائل تفریعی دیده می‌شود، ولی قالب کلی این دو کتاب نیز همان فقه روایی است. در هر سه کتاب، ابواب عبادات در آغاز و ابواب معاملات و احکام در پایان قرار گرفته، در شیوه تنظیم بابها شباهت فراوانی بین آنها دیده می‌شود ولی این سه کتاب هر يك دارای سبک و اسلوب مختص به خود می‌باشد.

۳- مقنعه صدوق را می‌توان يك متن حدیثی فقهی تمام عیار دانست که فتاوی در آن به عین الفاظ روایات یا نقل به معنای آن و گاه با نقل خود روایت صورت می‌گیرد، عبارات صدوق در مقدمه کتاب نیز به این امر اشارت دارد.<sup>۷۳</sup> از این رو

۷۳ - عبارت مقدمه مقنعه پس از خطبه کتاب چنین است: قال محمد بن علی: ثم إنني صنفت كتابي هذا وسَمَّيته

عبارات مقنع در کتب حدیثی بسان روایت نقل می‌شود، البته صدوق در این کتاب تغییرات کمی در متن روایات چون: تبدیل صیغه غائب به مخاطب، یکنواخت کردن تعابیر، تنظیم و ترتیب آنها و مانند آن انجام داده که از محدوده نقل به معنی، فراتر نمی‌رود، در مقنع بحثهای غیر فقهی چون ثواب برخی از کارهای مستحبی (ص ۹۴) نیز دیده می‌شود.



در مقنعه، فقه از حدیث امتیاز پیدا کرده، هر چند بیشتر مسائل طرح شده از روایات بر گرفته شده، ولی تمامی عبارات، الفاظ احادیث نیست و تفریعات در آن حدّ محدودی راه یافته است. این کتاب در واقع مجموعه‌ای است از فتاوی فقهی و استدلالات کوتاه آن و فقه القرآن و روایات فقهی و دعاء و زیارات و تاریخ ولادت و وفات امامان معصوم، و در این کتاب فقه به معنای کنونیش از سایر گونه‌های معارف دینی تمایز کامل نیافته است.

شیخ طوسی معارف گوناگون طرح شده در مقنعه را تفکیک کرده هر دسته را به کتاب خاصی انتقال داده و کتاب نهایی را تنها در فتاوی تألیف کرده است و صف یا عنوان این کتاب<sup>۷۴</sup> در فهرست شیخ نیز بر این معنی ناظر است: **النهایی فی مجرد الفقه و الفتاوی.**

۴ - مقنع صدوق از ترتیب چندان جالبی برخوردار نیست و باب بندی آن

.....  
 كتاب المقنع لقتوح من يقرئه بما فيه، و حذف الاسناد منه لئلا يتقل حمله ولا يصعب حذفه، ولا يعلمه قاريه اذ كان ما ابيه فيه في الكتب الاصولية موجوداً مبيناً على المشايخ العلماء الفقهاء الثقات.  
 ۷۴ - عبارت (فی مجرد الفقه و الفتاوی) پس از ذکر نهایی در فهرست شیخ رقم ۶۹۹ می‌تواند به عنوان تفسیر نام کتاب بوده مانند کتاب المفتح فی الإمامة، کتاب المبسوط فی الفقه. بنابراین نام کتاب نهایی خواهد بود، و محتمل است این عبارت جزئی از نام کتاب باشد ولی احتمال نخست نزدیکتر می‌نماید.

اندک بوده و بویژه در بابهای غیر عبادات تنها به عناوین کلی مانند باب الوصایا اکتفا شده و باب بندی ریزتری انجام نگرفته است، تعابیر روایات گاه بخوبی از قالب حدیثی خود خارج نشده و در نتیجه تعبیّرات نامطلوبی در کتاب دیده می‌شود.<sup>۷۵</sup>

مقنعه از نظر ترتیب در مجموع بهتر و با اشتمال بر باب بندی منظمتر و جزئی‌تر، نظم و انسجام بهتری به خود گرفته است، ولی این کتاب هنوز ترتیب و تبویب چندان منطقی نیافته است، در آن عبارتهای مکرر و طولانی دیده می‌شود. شیخ طوسی با تألیف نهاییه با به کارگیری الفاظ کوتاه و پخته و با ترتیب منطقی‌تر و پرهیز از تکرارهای فراوان، متن منسجم‌تری را ارائه می‌دهد. شیخ به همین انگیزه مسائل را در قالبهای کلی‌تری ریخت. ایجاز‌گویی نهاییه باعث شد که این کتاب به نسبت فروع بیشتری که دارد از مقنعه پر برگتر نگردد.

۵- تعداد ابواب این سه کتاب متفاوت است. در مقنعه در مجموع ۱۰۱ باب دیده می‌شود که تنها کمی بیش از یک چهارم آن یعنی ۲۷ باب آن از ابواب غیر عبادی است. مقنعه ۳۵۱ باب دارد که ۷ باب آن به اصول عقائد و ۴۹ باب آن در انساب و زیارات است، در نتیجه بابهای فقهی آن ۲۹۴ باب می‌باشد که برخی از آنها به فصول فرعی‌تری نیز انقسام می‌یابد از این تعداد کمتر از نیمی از آن یعنی ۱۵۱ باب آن به ابواب غیر عبادی اختصاص دارد. کتاب نهاییه شیخ ۲۱۴ باب بوده که بیش از نیمی از آن یعنی ۱۲۹ باب آن، در معاملات می‌باشد. بدین ترتیب بتدریج معاملات در این سه کتاب عنوانهای بیشتری را به خود اختصاص داده و بابهای بیشتری را شامل می‌شود.

تفاوتهای این سه کتاب در شیوه و روش و چگونگی بابها و ترتیب آنها و تقسیم بندی کلی فقه و ابواب آن بسیار است که پرداختن به تمام جزئیات آن سخن

.....

۷۵ - مثلاً در مقنعه، ص ۱۶۴ می‌خوانیم: فان اوصی بریح ماله فهو احبّ الی من ان یوصی بالثلث، این تعبیر قسمتی از روایت از معصوم(ع) بوده و گوینده (فهو احبّ الی) امام معصوم است، به کارگیری این عبارت در مقنعه بدون تغییر لازم، صحیح نیست. عبارت مقنعه ص ۶۶۹ در اینجا مناسب است: الوصیة بالربع عند آل محمد احبّ الیهم من الوصیة بالثلث.

را به درازا می‌کشاند.

بدین ترتیب می‌توان مقنعه مفید را در تکامل مقنعه صدوق در نگارش فقه روایی دانست. این سیر تکاملی با تألیف کتاب نهاییه به پایان می‌رسد.

۶- بخش فقهی *جمل العلم و العمل* سید مرتضی در این میان هر چند يك دوره کامل فقه نیست، ولی در همان *سبك* فقه روایی با استقلال بیشتری از حدیث تألیف شده است. نظم و ترتیب این کتاب از مقنعه بهتر می‌نماید و البته جای مقنعه در زوایای مختلف این کتاب به چشم می‌خورد، میزان *فروع جمل العلم و العمل* هرگز در حد نهاییه شیخ نیست. تلاش شیخ طوسی در پیشبرد فقه با تألیف نهاییه به فرجام نرسید، وی با تألیف آثار موجز و استوار به پختگی بیشتر فقه یاری رسانید، نمونه *يك متن منقح و موجز و در عین حال گویا و با ترتیبی منسجم و تقسیم بندی منطقی و استفاده از ارقام و به اصطلاح با بهره‌گیری از روش کلاسیک، جمل العقود* شیخ طوسی است، شیخ به جز تألیف کتاب *مسائل الخلاف* در فقه تطبیقی، با تألیف *مبسوط فقه شیعی* را با تفریعات فراوان آشنا ساخت، وی در این کتاب با اخذ عناصر زنده و مسائل بسیاری از فقه اهل سنت و استخراج حکم آنها از منابع اصیل قرآن و عترت، بدون استفاده از قیاس و استحسان، توانایی مصادر فقه شیعه را در استنباط احکام به اثبات رساند. عناصر جدید در *مبسوط* گاه بخوبی حل نشده و در نتیجه در این کتاب به نوعی آشفتگی بر می‌خوریم، این آشفتگی در تألیف جاودان *محقق حلی، شرایع الأحکام* حل شده،<sup>۷۶</sup> محقق پس از تألیف *شرایع* گزیده‌ای از آن را به نام *مختصر نافع* تألیف کرد که در پیراستگی و انسجام و پختگی در میان متون فقهی بی‌مانند است.

به هر حال بررسی کامل سیر فقه پس از مقنعه مفید در این مختصر نمی‌گنجد. تنها در اینجا اشاره می‌کنیم که آثار متأخر از مقنعه چون آثار مرتضی و مفید و مراسم سلار و مهذب و شرح *جمل* این برآج هیچ *يك* از تأثیر این کتاب به گونه مستقیم یا غیر مستقیم بر کنار نبوده‌اند، تنها اثر کاملاً مستقل در این دوره

۷۶ - ببینید زمین در فقه اسلامی، سید حسین مدرسی طباطبائی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۲ ش، ج ۱، ص ۶۲.

کتاب کافی ابو صلاح حلبی است.

۷- برخی تحولات تدریجی در متون فقهی این دوره دیده می‌شود که شایان تأمل است. در مقنعه ذکر اختلاف فتاوی اصلاً دیده نمی‌شود و تنها گاه روایات متعارضی ذکر شده و چگونگی برخورد با آنها بیان گردیده است. در مقنعه ذکر اختلاف اقوال در حدّ کمی دیده می‌شود، فتاوی همگی به صورت جازم و جز در موارد کاملاً نادر، از احتیاط خبری نیست. ذکر احتیاط در نهاییه بسیار بیشتر می‌گردد.<sup>۷۷</sup> و نقل اختلاف آراء افزون می‌شود، ولی در هیچ یک از این کتابها به صراحت نام دانشمندان گذشته برده نشده و نظرات ویژه آنها طرح نشده است. محقق حلبی در آثار خود به صراحت نام دانشمندان گذشته را برده و به آراء خاص آنها اشاره می‌کند، وی از تعابیر غیر جزمی متنوعی چون اقوی، اشیبه، احوط، اظهر، بسیار بهره گرفته و به نقل اقوال علما با تصریح به نام آنها می‌پردازد، بدین ترتیب فقه بتدریج از چهره کاملاً جزمی خود در مقنعه، به چهره توأم با تردید و احتیاط در کتب محقق حلبی رسیده است.

البته از نظر نباید دور داشت که اختلاف نظر علما در اعصار متقدم بر محقق حلبی نیز هر چند در سطح محدودتر وجود داشته، ولی در آثاری چون مقنعه و مقنعه این اختلافات نقل نمی‌شده است. علت این امر بخصوص در مورد شیخ مفید می‌تواند از عدم اعتماد وی بر دلایل ظنی و التزام او به قطع و یقین در احکام شرعی سرچشمه گرفته باشد.

۸- در اینجا تذکر یک نکته مهم ضروری است و آن اینکه با وجود گرایشهای حدیثی شیخ صدوق و تفکرات کلامی شیخ مفید، تفاوت فتاوی فقهی آنها زیاد نیست و اصولاً در این دو کتاب به دو گونه فتاوی بر نمی‌خوریم، فتاوی شیخ صدوق اگر از فتاوی سید مرتضی به فتاوی شیخ مفید نزدیکتر نباشد دورتر نیست، با وجود اینکه سید مرتضی نیز بسان شیخ مفید متکلمی برجسته و با گرایشهای عقلی محض می‌باشد، گویا اختلافات روش شیخ صدوق و شیخ مفید بیشتر در

.....  
۷۷ - مثلاً ببینید النهایة و نکتها، شیخ طوسی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۰۴، ۲۴۲، ۲۴۷، ۲۷۹، ۲۸۲، ۲۸۶، ۲۹۲، ۲۹۳.

زمینه معارف عقلی و مباحث کلامی و عقیدتی که متکلمان در آن بیشتر به عقل و اندیشه تکیه می‌ورزند تا روایات، عرصه جولان یافته است، ولی تکیه گاه متکلمان و اهل حدیث در فقه، آیات و احادیث است که در نحوه گزینش روایات نیز تفاوت چندانی بین دو روش به چشم نمی‌خورد.

۹- در پایان این بخش متذکر می‌شویم که مقنعه در عصر خود از احترام و اعتبار، برخوردار بود. امری که شیخ طوسی را در حیات شیخ مفید به نگارش شرحی بر مبنای آن واداشت، ولی با تألیف نهایی، این کتاب محور تدریس فقه قرار گرفت درحالی که کتاب مقنعه هنوز در برخی موارد تدریس می‌شد.

سید محیی الدین بن زهره آن را از چند طریق از مفید نقل می‌کند در یکی از آنها شیخ طوسی و ابویعلی جعفری و شیخ ابو (عبدالله) جعفر دوریستی را وی از مفید می‌باشد، سید محیی الدین بن زهره مجلد اول و بیشتر مجلد ثانی از رساله مقنعه را در سال ۵۸۴ در حالی که هنوز به سن بیست سالگی نرسیده بود در نزد عمویش سید ابوالمکارم حمزة بن زهره صاحب کتاب غنیه که هفتاد و چند سال داشت آموخت. ابن زهره - و نیز محمد بن جعفر مشهدی - تمام آن را پیش از بیست سالگی در نزد ابو منصور محمد بن حسن بن منصور نقاش موصلی که سن زیادی داشت خوانده بود، وی نیز آن را در اوائل عمر خود در نزد شریف نقیب ابوالوفاء محمدی موصلی که عمر زیادی داشت در موصل آموخت و او نیز آن را در اول عمر خود در نزد مفید خوانده بود.<sup>۷۸</sup> از این نقل بر می‌آید که مقنعه لا اقل در دو جلد بوده است.

### مقنعه و تهذیب الأحکام

شیخ طوسی در پاسخ درخواست یکی از دوستانش در مورد اخبار متعارض و لزوم برخورد منطقی با آن به تألیف تهذیب الأحکام بر مبنای کتاب مقنعه و با انگیزه کلامی همت گماشت.<sup>۷۹</sup> وی در آغاز بر آن بود که از قسمت فقهی مقنعه شروع کرده و هر مسئله را طرح نموده و براهین و استدلالهای کامل در مورد آن را ذکر و

.....

۷۸ - بحار الأنوار، ج ۱۰۷، ص ۱۵۵.

۷۹ - تهذیب الأحکام، شیخ طوسی، دار الکتاب الاسلامیة، نجف، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲.



اشکالات را پاسخ گوید و جمله‌ای از روایات عامه رانیز آورده و در مورد روایات متعارض در اخبار شیعی و شیوه سازگارسازی آنها با هم سخن گوید. این روش هر چند تمامی اخبار فقهی را در بر نمی‌گرفته است، ولی شیخ، تصمیم داشته که پس از شرح مقننه به تألیف کتاب دیگری بپردازد که تمامی یا اکثر روایات شیعی را در برگیرد.

بدین ترتیب تهذیب الأحکام در آغاز تنها شرح مقننه ولی به صورت کامل بوده، و در اکثر کتاب طهارة از این روش پیروی نموده است، ولی این شیوه، کتاب را بسیار مبسوط نموده و آن را از غرض اصلیش که ذکر اخبار ناسازگار و کوشش در راه توافق آفریدن بین آنها بوده دور می‌ساخت، و کتاب در برگیرنده تمامی روایات فقهی نیز نمی‌شد، از سوی دیگر شیخ ناچار بوده است که برای تمامی فروع مذکور در مقننه دلیلی ذکر کند که در پاره‌ای موارد دلیل آن روایت خاص نبوده، بلکه گفتار مشایخ و عمل طایفه مبنای فتوا بوده است.<sup>۸۰</sup>

بنابراین، کتاب از صورت کتاب حدیثی خارج می‌شده است. از این رو شیخ از این روش عدول نموده، تنها به ذکر روایات ولی به نحو کامل می‌پردازد.<sup>۸۱</sup> بدین ترتیب کتاب دیگری که شیخ در ابتدا در نظر داشته تألیف کند در ضمن همین کتاب تهذیب نگاشته شده است.

شیخ پس از تغییر روش خود، در بابهای نخستین، روایاتی را که در شرح مقننه نیاورده، در ابواب زیادات ذکر کرده است. طبعاً این ابواب، غیر از بابهای زیاداتی است که در اصل مقننه وجود داشته است.

تغییر روش تألیف تهذیب سبب گردیده که کتاب طهارت که در زمان حیات شیخ مفید تألیف شده و بیشتر آن با روش نخست نگاشته شده، نسبت به سایر کتابها از حجم بیشتری برخوردار گردد و حدود یک هشتم کل تهذیب را شامل شود، در حالی که همین کتاب در مقننه حدود یک شانزدهم کل کتاب یعنی نصف مقدار

.....  
۸۰ - تهذیب، ج ۱، ص ۲۹۰ - ۲۹۴.

۸۱ - تهذیب، ج ۱۰؛ مشیخه، ص ۴.

آن را در تهذیب تشکیل می‌دهد.

در شیوه دوم، شیخ طوسی مقید به ذکر تمام مسائل مقننه نبوده و از این رو در بسیاری از موارد تنها از ترتیب مقننه پیروی شده است. وی خود در پاره‌ای موارد بویژه در کتاب حج، مسائل بسیاری را عنوان کرده و روایات مربوط بدان را ذکر نموده است.

هدف شیخ طوسی در نگارش تهذیب سبب گردیده که وی تنها به نقل فتاوی مفید نظر داشته و استدلالهای مفید را ذکر نکند و تنها گاه به اختصار و احیاناً با تصرفاتی که لازم می‌دانسته استدلالات وی را بدون نسبت دادن به وی ذکر کند.<sup>۸۲</sup> روایات فراوان مذکور در مقننه، در تهذیب با سند کامل و به طور مشروح آمده ولی نه به گونه شرح عبارات مقننه.

شیخ طوسی درباره دعاها و تسبیحات و مانند آن نیز در بسیاری از موارد به وجود آن در مقننه اکتفا کرده، خود بایی در این مورد نمی‌گشاید. برخی از بابهای غیر روایی مقننه نیز چون دو باب آخر مواریث، و ذکر اختلافات اقوال در مورد جزیه و بیان مذاهب مختلف کفار و مانند آن در تهذیب حذف گردیده است.<sup>۸۳</sup> با توجه به این امور، تهذیب را می‌توان در مجموع، شرح آزاد بر خصوص فتاوی مقننه دانست. البته این امر در مورد اکثر کتابهای تهذیب صادق است، ولی چند کتاب تهذیب و پاره‌ای از بابهای دیگر آن وضعی کاملاً متفاوت دارند.<sup>۸۴</sup>

در کتاب انساب و زیارات بابهای جدیدی چون باب تحریم مدینه، باب فضل کوفه، باب فضل الغسل للزیارة، باب وداع الشهداء، باب وداع العباس، باب حد حرم الحسین گشوده شده، کتاب جهاد و سیره امام از جلد ششم تهذیب تا پایان این جلد کاملاً از شرح مقننه دور افتاده است. ترتیب کتابها در جلدهای بعدی نیز تفاوت می‌یابد و در بسیاری موارد عبارت مقننه اصلاً ذکر نمی‌گردد، ولی

.....

۸۲ - مثلاً ببینید تهذیب، ج ۳، ص ۹۰، ۱۱۳ و مقایسه کنید با مقننه، ص ۲۵۲، ۲۶۹.

۸۳ - وی در این مورد می‌گوید: فلیس بنا حاجة الی شرحها اذ الفرض بهذا الكتاب غیر شرح ما یجری مجراه، تهذیب، ج ۴، ص ۱۱۴.

۸۴ - مثل باب صلاة الخوف و صلاة المطاردة در ج سوم تهذیب.

ترتیب بابها در بیشتر موارد محفوظ بوده، و تفاوتها جزئی است.

بنابراین تهذیب تنها شرحی بر مقنعه نیست و خود از جنبه‌های استقلالی فراوان برخوردار است ولی چهره کلی آن همان شرح مقنعه است بویژه در جلد نخست که کاملاً شرح مقنعه می‌باشد.

با عنایت به این نکته، تهذیب - بخصوص جلد اول - آن می‌توانست منبع خوبی برای تصحیح کتاب مقنعه قرار گیرد که متأسفانه بدان توجه نشده است. در اینجا ما در صدد بحث از چاپهای مختلف مقنعه و بررسی چاپ جدید آن توسط انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نیستیم، تنها اشاره می‌کنیم در این تصحیح جدید مبنا قرار دادن اکثریت نسخ - آن هم اکثریت در تعداد و نه در اعتبار و ارزش - به جای نسخه صحیحتر، سبب شده که عبارتهای صحیح بسیاری در حاشیه قرار گیرد و ناهماهنگی فراوانی در عبارات متن به وجود آید.

#### نکاتی چند در مقنعه

۱- در باب نفاس مقنعه ص ۵۷ این عبارات را می‌خوانیم «و اکثر ایام النفاس ثمانیة عشر يوماً و قد جائت اخبار معتمدة بان انقضاء مدة النفاس مدة الحيض و هو عشرة ایام و علیه اعلم لوضوحه عندی».

صدر و ذیل این عبارت با هم ناسازگار می‌نماید، چه اگر مفید اکثر حد نفاس را ده روز می‌داند چرا در آغاز به شکل فتوا اکثر حد نفاس را ۱۸ روز ذکر کرده است؟ مانند این ناسازگاری در کتاب نکاح مقنعه ص ۵۲۲ در همین مسئله دیده می‌شود.

نظیر این اشکال در برخی از کتابهای محقق و علامه نیز دیده می‌شود، در آنجا محقق تستری در مقدمه مقایس الأنوار به طرح و حل اشکال پرداخته می‌گوید: محقق و علامه نخست فتاوی شیخ طوسی را بدون نسبت دادن به او ذکر می‌کنند، سپس عبارتی را که بر تردّد یا مخالفت با آن فتوا دلالت دارد، می‌آورند. در نتیجه گمان تنافی می‌رود ولی راه حل آن همانی است که گفته شد.<sup>۸۵</sup>

.....  
۸۵ - مقایس الأنوار، تهران، ۱۳۲۲، ص ۵.

گویا فتاوی شیخ طوسی نماینده فقه رسمی شیعه به شمار می‌رفته و نیازی به نسبت دادن آنها به شیخ نبوده است. بنابراین متن اصلی فقه شیعه را نظرات شیخ طوسی تشکیل می‌داده و نظرات محقق و علامه تنها به عنوان حاشیه مطرح بوده است.

همچنین نظیر این مشکل در کتاب مبسوط شیخ نیز دیده می‌شود. منشأ این امر در کتاب مبسوط، ظاهراً آن است که فروع مبسوط در اصل از کتابهای عامه برگرفته شده، و این عناصر تازه بخوبی در این کتاب جا نیفتاده و در نتیجه برخی از عبارات متناقض نما گردیده‌اند.<sup>۸۶</sup>

۲- اما علت این امر در کتاب مقننه چیست؟ آیا می‌توان نظیر راه حل کتب علامه و محقق و مبسوط را در اینجا طرح کرده بگوییم: مقننه در اصل از کتاب دیگری گرفته شده است؟ در صورت درستی این احتمال آن کتاب کدام است؟ ولی با توجه به نامشخص بودن کتابی که مقننه بنا بر این احتمال، بر پایه آن قرار دارد و با عنایت به اینکه مشکل تا آنجا که جستجو شد، تنها در باره مسئله حداکثر حد نفاس وجود دارد، می‌بایست برای این مشکل راه حل دیگری جستجو کرد.

به نظر می‌رسد که فتاوی مفید نخست همان هیجده روز بوده، سپس وی از این نظر بازگشته و چون نخواست در عبارت اصلی تصرفی کند نظر نهایی خود را به این صورت در هر دو جا به متن کتاب افزوده است، بلکه حتی محتمل است این نظریه در حاشیه نوشته شده و بعداً داخل متن شده باشد. تشویش بسیار عبارت مقننه در باب طهارة و پس و پیش شدن عبارات آنها - چنانچه از تهذیب بر می‌آید -<sup>۸۷</sup> این احتمال را تقویت می‌کند.

۳- شیخ مفید در مقننه روایات را به صورت مرسل ذکر می‌کند. وی تنها به نام معصوم و گاه همراه با نام راوی آخر اکتفا می‌کند. در این موارد گاه اختلالاتی

.....  
۸۶- زمین در فقه اسلامی، ج ۱، ص ۵۹.

۸۷- تهذیب، ج ۱، ص ۱۷۴.

نیز مشاهده می‌شود از جمله در ص ۲۶۰: قال قلت لأبي جعفر (ع) و ص ۲۶۱: قال سألت ابالحسن (ع)، ضمیر در این دو سند ممکن است به عبدالکریم بن عتبه هاشمی باز گردانیده شود، ولی با مراجعه به تهذیب ج ۴، ص ۱۰۳ - ۱۰۴ روشن می‌شود که مرجع ضمیر، راوی روایت می‌باشد که در سند نخست، ابو بصیر و در سند دوم، عبدالرحمان بن الحجاج می‌باشد. نظیر این اشکال در ص ۲۶۳ و ۲۶۸ نیز دیده می‌شود. در نتیجه در بهره‌گیری از احادیث مقنعه باید دقت نمود و از اینگونه اختلالات غفلت نورزید و حتماً به سایر مصادر حدیثی هم مراجعه کرد.

۴- از لابلای مقنعه برخی از آراء اصولی مفید نیز به دست می‌آید. ما در اینجا

تنها به ذکر سه نمونه اکتفا نموده، عین عبارت وی را نیز نقل می‌کنیم:

أ- مفید در اخبار متعارض، قائل به لزوم ترجیح به وسیله مرجحات نیست. وی روایتی را که هم شهرت روایی و هم شهرت فتوایی دارد بر روایت مقابل به گونه لزومی ترجیح نمی‌دهد، بلکه ترجیح را مستحب می‌داند. عبارت مفید چنین است: و قد روی حدیث فی جواز التطوع فی السفر بالصیام و جاءت اخبار بکراهیه ذلك و أنه لیس من البر الصوم فی السفر و هی اکثر و علیها العمل عند فقهاء العصابة فمن اخذ بالحدیث لم یأثم اذا كان اخذه من جهة الاتباع و من عمل علی اکثر الروایات و اعتمد علی المشهور منها فی اجتناب الصیام فی السفر علی کل وجه - سوی ما عدناه - کان اولی بالحق و الله الموفق للصواب.<sup>۸۸</sup>

ب- شیخ مفید در بحث استخارات پس از ذکر نماز و دعاء استخاره، از استخاره ذات الرقاع یاد کرده می‌گوید: قال الشیخ: و هذه الروایة شاذة، لیست کالذی تقدم، لکننا اوردناها للرخصة دون تحقیق العمل بها.<sup>۸۹</sup> گویا عبارت مفید ناظر به تسامح در ادله مستحبات است و چون مسئله استخاره - با کمی تسامح - داخل در باب مستحبات است. از روایات «من بلغ» می‌توان جواز استخاره ذات الرقاع را نیز استفاده کرد.

.....  
۸۸ - مقنعه، ص ۲۵۰.

۸۹ - مقنعه، ص ۲۱۹.

ج - مفید با عرضه کردن روایات بر قرآن، آنها را نقد و بررسی می‌کند و با توجه به کتاب خدا، روایات ناسازگار با آن را رد می‌کند. وی در باب «الوصیة للوارث» پس از ذکر آیه‌ای از قرآن بر صحت این گونه وصیت، می‌نویسد: و قد روي عن النبي صلى الله عليه وآله أنه قال: لا وصیة لوارث و هذا حدیث باطل مصنوع، لم یثبت، عند نقاد الأثر، و کتاب الله اولی من الحدیث و الحکم به علی الأخبار اولی من الحکم بالأخبار علیه.<sup>۹۰</sup>

د - پایان کتاب مقنعه بابی است با این عنوان: باب مختصر رسوم کتب الوصایا و الوقوف و العتق و التدبیر و المکاتبه و الخلع و الطلاق و الادیون و الحقوق و البراعات و الشركة و الإجازات و المزارعات و المساقاة و الضمانات و الوكالات و المعاملات.

در این باب، مفید در باره هر يك از عناوین فوق، متنی کلی تهیه کرده که در برخی از جاهای آن از کلمه فلان و یا کذا بهره گرفته که می‌بایست به وسیله استفاده کننده با عبارت مناسب جایگزین شود. وی در ضمن فصل یا فصول دیگری حالات استثنایی و ویژه را تذکر می‌دهد.

تهیه این گونه متون که برای سهولت کار مردمان و شبیه فرمهایی است که در ادارات کنونی مرسوم است، نشانگر پیشرفت و گسترش مرجعیت شیخ مفید است. امری که وی را وامی‌داشت که به جای پرداختن به صورتهای جزئی به تهیه متونی کلی دست یازد. برای نگارنده فرصت دست نداده که در باره سابقه این گونه متون، تحقیق کافی در کتب فقهی مذاهب مختلف انجام دهد، ولی در کتب فقهی شیعی نظیر این متنها را قبل از مقنعه سراغ نداریم.

در اینجا بحث از مقنعه را پایان می‌دهیم. هر چند برخی از بحثهای مهم دیگر چون آراء اختصاصی مفید در فقه، باقی ماند که نیازمند تتبع و جستجوی زیادی است.

.....  
۹۰ - مقنعه، ص ۶۷۰.